

نفوذ فرهنگی

تأملاتی در شیوه‌های نفوذ در نهادهای آموزشی ایران
از منظر اسناد لانه جاسوسی امریکا

سید محمد جواد قربی^۱

چکیده

غرب برای دست‌یابی به اهداف خویش در جهان اسلام از هر ابزار و شیوه‌ای بهره می‌گیرد و بعد از شکست شیوه سخت‌افزاری، امریکا به سمت و سوی نفوذ و رخنه فرهنگی سوق یافت تا با استفاده از شگردهای فرهنگی بتواند منافع ملی خود را تأمین کنند. این موضوع در تاریخ سیاسی ایران هم قابل رؤیت است تا جایی که ایالات متحده امریکا برای کسب منفعت‌های بیشتر اقتصادی و سیاسی در ایران، به سمت و سوی نفوذ فرهنگی در ایران گام برداشت. یکی از مهم‌ترین نهادها و ارگان‌هایی که امریکا سعی در استحاله فرهنگی آن داشت، نهادهای آموزشی ایران بودند؛ زیرا این نهادها ارتباط مستقیمی با پرورش نیروی انسانی متعهد و متخصص در هر کشوری دارند و دگردیسی در فعالیت آنها می‌تواند امنیت ملی کشورها را مورد تهدید قرار دهد. سفارت امریکا در ایران، تمام تلاش خود را برای نفوذ در مدارس و دانشگاه‌ها نمود و با توجه به اهمیت بازخوانی این مسئله، مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است: بر اساس اسناد

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام از پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی



لانه جاسوسی، سفارت امریکا با چه شیوه و ابزاری در نهادهای آموزشی ایران (مدارس و دانشگاه‌ها) نفوذ فرهنگی نمود؟ مذاقه در اسناد سفارت امریکا نشان می‌دهد که آنها در ایران سعی داشتند با شیوه‌هایی نظیر: آموزش زبان انگلیسی، ترویج سبک زندگی غربی، رواج اندیشه‌های لیبرالیستی، تحول در آرمان‌ها و ارزش‌های ملی و دینی، تبادلات علمی و جذب دانشجویان و دانش‌آموزان ایرانی، تخلیه اطلاعاتی معلمان و اساتید دانشگاه‌ها، همکاری با شخصیت‌های مخالف نظام در نهادهای تربیتی و آموزشی، افزایش دبیران غربی در مدارس ایرانی، برگزاری مهمانی‌های غیرمتعارف برای تأثیرگذاری بر معلمان، نفاق در نهادهای آموزشی، کنشگری نهاد فرهنگی فولبرایت، پخش فیلم‌های غربی و تقویت رادیو صدای امریکا، ایجاد انشقاق در نهادهای علمی و... بر اثربخشی نفوذ فرهنگی خود بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: اسناد لانه جاسوسی امریکا، نفوذ فرهنگی، نهادهای آموزشی، سبک زندگی، زبان انگلیسی، مراودات علمی

مقدمه

فرهنگ و دانش مقوله‌ای بسیار پیچیده است که نقش حیاتی در ثبات و پویایی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه داراست. با توجه به نقش کلیدی فرهنگ، این مقوله گستره‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها را برای حاکمان سیاسی فراهم ساخته است، لذا نقش مؤسسات آموزشی در قبال فرهنگ نقشی حیاتی است.^۱ نهادهای فعال در زمینه آموزش، تعلیم و تربیت متعدد و متنوع‌اند و هر کدام از آنها بخشی از این فرآیند پیوسته را بردوش دارند. خانواده، مهد کودک، مدرسه، دانشگاه، آموزشگاه‌های خصوصی، نهادهای مردمی و نهادهای مذهبی از قبیل مسجد نیز بخش مهمی از فرآیند تعلیم و تربیت در ایران را تحقق می‌بخشند. این نهادها همچون دیگر نهادهای اجتماعی به شدت تحت تأثیر تحولات پیرامون خود قرار می‌گیرند و کیفیت و ماهیت عملکرد نظام‌های تربیتی و آموزشی هر جامعه‌ای، به کیفیت، ماهیت و عملکرد تحولات پیرامونی بستگی دارد.^۲ لاجرم، یکی از چهره‌های مهم نفوذ در تاریخ ایران، نفوذ فرهنگی در نهادهای علمی یا آموزشی نظیر مدارس و دانشگاه‌ها است که با برنامه‌ریزی بلندمدت انجام شده و بررسی

۱. علیرضا عصاره و محسن حسینی بیدخت، «واکاوی نقش توسعه مؤسسات آموزش عالی در قبال فرهنگ و تهاجم فرهنگی»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، س ۶، ش ۲، بهار ۱۳۹۳، ص ۹۱.
 ۲. نفوذ و تربیت؛ بررسی ساختار و بسترهای نفوذ دشمن در نهادهای تربیتی کشور، تهران، معاونت پژوهش مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۴.

رفتار ایالات متحده در زمان حیات سیاسی رژیم پهلوی به خوبی این موضوع را نشان می‌دهد و اسناد به دست آمده از سفارت امریکا بعد از تسخیر این لانه جاسوسی به دست دانشجویان پیرو خط امام، گواهی بر این مدعاست. به همین منظور، در این مقاله سعی خواهیم کرد تا نفوذ فرهنگی در نهادهای آموزشی ایران را در اسناد لانه جاسوسی مورد بررسی قرار دهیم.

مفهوم نفوذ و تبیین مسئله

در زبان فارسی نفوذ در معانی‌ای چون رخنه، رسوخ، سرایت، داخل شدن در چیزی، تأثیر و اثر کردن در چیزی، اعتبار، توانایی و قدرت به کار رفته است و در این راستا، نفوذ به معنای رخنه‌ای تأثیرگذار در چیزی به شکل مثبت یا منفی است. از این رو، وقتی امری در دیگری تأثیرگذار باشد به عنوان امر نافذ از آن یاد می‌شود.^۱ نفوذ پدیده‌ای پنهان و پیچیده است که با ظرافت و دقت خاصی طراحی می‌شود که شناسایی و مقابله با آن نیز دقت و ظرافت می‌طلبد. مقوله نفوذ امری تدریجی و غیرمستقیم بوده و معمولاً حساسیت برانگیز نیست و در پوشش‌های مختلفی صورت می‌گیرد؛ همچنین اسامی مختلف و گه‌گاه خیر خواهانه‌ای نیز دارد.^۲ نفوذ می‌تواند بر ارتباطات افراد جامعه، روحیات، ذهنیات، سبک زندگی، اخلاق و... تأثیر بگذارد،^۳ و بر همین اساس، می‌توان آن را رفتاری برای ورود در منطقه ممنوعه و حریم خصوصی جامعه دانست. نفوذ در اصطلاحات اجتماعی و سیاسی به مفهوم رخنه در افکار و عقاید به همراه تأثیرگذاری برای ایجاد تغییر در جهت اهداف نفوذکننده است.^۴ به تعبیر رابرت دال، نفوذ عبارت از رابطه میان بازیگرانی است که در آن یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند به طریقی که خواست خود آنها نیست، عمل کنند.^۵ نظام سلطه برای نفوذ در کشورها و در حوزه‌های مختلف آنها نیازمند استفاده از نیروهایی از درون همان کشورها هستند و به این منظور به حلقه‌سازی و در مراحل بعد به جریان‌سازی نفوذ اقدام می‌نمایند. از این رو حلقه‌ها و جریانات نفوذ مستقل و دارای اهداف خودبنیاد نیستند بلکه در برآیند

۱. علی جواهردهی، «جریان‌شناسی نفوذ و مصادیق آن از منظر قرآن»، کیهان، ۱۳۹۴/۱۱/۱۷، ص ۷.

۲. علی کریمی، مفهوم‌شناسی نظری نفوذ، تهران، مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۱۴.

۳. بهبود برمک، نفوذ فرهنگی از طریق بازی‌های رایانه‌ای، تهران، مرکز پژوهشی شهید صیاد شیرازی، ۱۳۹۵، ص ۹.

۴. علی جواهردهی، همان.

۵. رابرت آلن دال، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران، ظفریان، ۱۳۶۴، ص ۲۸؛ و عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران، نی، ۱۳۸۶، ص ۹۵.

نظام سلطه برای نفوذ در کشورها و در حوزه‌های مختلف آنها نیازمند استفاده از نیروهایی از درون همان کشورها هستند و به این منظور به حلقه‌سازی و در مراحل بعد به جریان‌سازی نفوذ اقدام می‌نمایند. از این رو حلقه‌ها و جریان‌های نفوذ مستقل دارای اهداف خودبنیاد نیستند بلکه در برآیند نهایی پیاده‌کننده سناریوهای نظام جهانی سلطه هستند

نهایی پیاده‌کننده سناریوهای نظام جهانی سلطه هستند. عملکرد حلقه‌ها و جریان‌های نفوذ به سلطه کشیدن کشورهای هدف و تحقق اهداف قدرت‌های استعمارگر است. حلقه یا جریانی که مجری یا عامل نفوذ می‌گردد به صورت کاملاً حساب‌شده، غیر آشکار و در پوشش‌های به ظاهر خیر خواهانه و ملی‌گرایانه برنامه نفوذ را پیگیری و پیاده می‌کند. با این وصف می‌توان مجریان نفوذ را یک جریان نفاق دانست که با پوشش‌های موجه هر جامعه خود را مطرح می‌کند و برنامه‌های نفوذ را به پیش می‌برد. با توجه به اهمیت مراکز تصمیم‌سازی و تئوریک در

صحنه اداره جامعه و تولید فکر و گفتمان در آن، حلقه‌های تئوریک مهم‌ترین محمل برای شکل‌گیری جریان‌های نفوذ است و نظام سلطه با شناسایی چهره‌های نخبه‌اندیشه‌ای و فکری و با تأثیرگذاری بر آنها از طریق تولید افکار و گفتمان‌های انحرافی به پیشبرد اهداف خود می‌پردازند.^۱

به لحاظ نظری، نفوذ را می‌توان تأثیرگذاری جریان، اندیشه و منافع گروهی خاص بر یک امت، کشور، جامعه یا گروه موردی دانست که با اعمال قدرت نرم خود که در آن از خشونت و اجبار فیزیکی برخوردار نیست، بر مواضع و نقاط حساس و راهبردی آن کشور یا جریان تأثیر غیر مستقیم و در برخی موارد مستقیم می‌گذارد. البته باید در نظر داشت که سناریوسازی نفوذ و ایجاد بسترهای مناسب برای نفوذ تأثیرگذار، امری زمان‌بر و نیازمند شناخت کامل جامعه هدف است. نفوذ می‌تواند در دو رویکرد به وجود آید: شخصی و جریانی. هر دو سطح می‌تواند دارای ابعاد مختلفی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، امنیتی و... باشد. دشمنان سعی در نفوذ کردن به یک گروه نخبه، جریان سیاسی خاص، محفل علمی، جریان‌های قدرت و سیاسی تأثیرگذار و غیره دارند. این گونه نفوذهای گروهی معمولاً خطرناک‌تر از نفوذ شخصی هستند زیرا قدرت تخریب و تبعات منفی آنها بسیار است.^۲ در این صورت، پروژه نفوذ نیز حمله همه‌جانبه، سازماندهی شده و یک اقدام برنامه‌ریزی شده، سازمان‌یافته و بسیار هنرمندانه، فتنه‌آمیز

۱. جمعی از نویسندگان، *نفوذ؛ شاخص‌ها و برون‌دها*، تهران، اندیشگاه آفاق انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۷-۵.
 ۲. سید محمد جواد قربی، «نفوذ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *صبح*، س ۱، پاییز ۱۳۹۴، ش ۳، ص ۳.

و خلط کلمه حق با کلمه باطل و تبدیل نقاط قوت به ضعف است. در طراحی نفوذ، دشمن به صورت دوست جلوه می‌کند و حقیقت را به شکل باطل و باطل را در لباس حق نشان می‌دهد و از نقاطی که مردم قدرت تحلیل ندارند، ضربه می‌زند.^۱

نفوذ فرهنگی

بستر فرهنگی نفوذ، خطرناک‌ترین و در عین حال حساس‌ترین بستر نفوذ به شمار می‌رود. در واقع فرهنگ یک کشور اگر هدف نفوذ قرار بگیرد، نفوذ در بسترها و عرصه‌های دیگر بسیار تسهیل شده و در عین حال استقلال و هویت یک کشور از بین می‌رود و به نوعی آن کشور در هویت و فرهنگ دیگر کشورها هضم و جذب می‌شود و حضور نفوذی نه تنها در آن کشور با مانع و مقاومت روبه‌رو نمی‌شود بلکه با آغوش باز از آن استقبال خواهد شد.^۲ در فرآیند نفوذ فرهنگی دشمن مترصد است با تغییر ساختار فرهنگی و روی کار آوردن قدرتمندان وابسته و مطیع، انحراف در عقاید و باورهای دینی و ملی مردم، تأثیرگذاری در آداب و رسوم و فرهنگ ملی و تحمیل فرهنگ مبتذل خود، جدایی دین از سیاست و انزوای روحانیت از امور مردم و حکومت، هویت‌زدایی از نسل جوان کشور، ایجاد مراکز و مجامع فرهنگی، حزبی، آموزشی و هنری بر اساس الگوها و نظریه‌های غربی، ترویج و انتشار افکار ترجمه‌ای و اقتباسی، و جلوگیری از رشد استعدادها و انسداد راه‌های تولید فکر و علم، به اهداف ترسیم‌شده خویش دست یابد که در این مسیر، ابزارهای مختلف و متنوع و بعضاً پیچیده‌ای به کارگیری شده‌اند؛ روزنامه‌ها و مجلات، رادیو و تلویزیون، کتاب، فیلم، تئاتر، موسیقی، مراکز و محافل شهوترانی، جشنواره‌ها، احزاب و جمعیت‌ها، محافل فراماسونری، اساتید و معلمان غرب‌زده، اشرافی‌گری، الگوسازی و... از جمله ابزارهای به کار گرفته شده هستند. ابزارها و عوامل نفوذ، عمدتاً در روش‌هایی چون شبهه‌آفرینی، هویت‌زدایی، تحریف، تحریک شهوات، لاقیدی و اباحی‌گری، اعتیاد و فساد اخلاقی، مدگرایی و تجدد، تفرقه، یأس‌آفرینی، بی‌مسئولیتی، دنیاپرستی، اختلافات طبقاتی و خودباختگی، تن‌پروری و... فعال می‌شوند.^۳ با بررسی مبانی و اصول مربوط به پروژه نفوذ فرهنگی می‌توان مراحل آن را در سه گام صورت‌بندی کرد:

۱. داود فیض و دیگران، «شناسایی ذهنیت افراد نسبت به نفوذ دشمن با استفاده از روش کیو»، سیاست دفاعی، زمستان ۱۳۹۴، ش ۹۳، ص ۷۳.

۲. علی کرمی، حقیقت در غبار: بررسی بسترها و عوامل نفوذ، همان، ۱۳۹۵، ص ۳۵.

۳. مدارس جدید و نفوذ فرهنگی غرب در ایران، تهران، قدر ولایت، ۱۳۹۴، ص ۹-۸.



با توجه به اهمیت مراکز تصمیم‌سازی و تئوریک در صحنه اداره جامعه و تولید فکر و گفتمان در آن، حلقه‌های تئوریک مهم‌ترین محمل برای شکل‌گیری جریان‌ات نفوذ است و نظام سلطه با شناسایی چهره‌های نخبه‌اندیشه‌ای و فکری و با تأثیرگذاری بر آنها از طریق تولید افکار و گفتمان‌های انحرافی به پیشبرد اهداف خود می‌پردازند

گام اول. رخنه و سرپیل‌گیری؛ در این گام دشمن با شناسایی نقاط ضعف فرهنگی داخلی، عوامل و پایگاه‌های نفوذپذیر را شناسایی می‌کند. همان‌طور که دشمن در نفوذ سیاسی به دنبال شناسایی نیروهای مسئله‌دار و طرفدار لیبرالیسم در داخل و ارتباط‌گیری با آنها برای آغاز این پروژه است، در نفوذ فرهنگی نیز به دنبال عوامل فرهنگی بریده از نظام، طرفداران تفکر لیبرالیسم غربی

و عوامل مخالف با حکومت اسلامی است. به یقین علاقه‌مندان مباحث و مسائل فرهنگی می‌دانند که حوزه هنر، کتاب و نویسندگی، مطبوعات، فیلم و سینما از جمله عرصه‌هایی است که به علت امکان نفوذ مؤثر، مورد توجه نظام سلطه بوده و هست.

گام دوم. ارتباط‌گیری و جایگزینی؛ در این گام نظام سلطه پس از شناسایی در گام نخست به دنبال ارتباط‌گیری با عوامل داخلی و فرستادن نیروهای بیرونی خود به داخل کشور است. ورود سیل عظیم از نیروهای ضد فرهنگی دشمن که سال‌ها در خارج از کشور آموزش دیده‌اند به داخل، بیان‌گر ورود و نفوذ دشمن در مراکز تصمیم‌گیری فرهنگی-هنری کشور است. این گام از مهم‌ترین مراحل نفوذ بوده که برای برنامه‌ریزی مقابله‌ای نیز باید به خوبی شناسایی شده و اشراف اطلاعاتی بر آن صورت گیرد.

گام سوم. استحاله از درون؛ در این گام دشمن به عملیات آفندی مورد نظر در پروژه نفوذ فرهنگی می‌پردازد؛ یعنی پس از شناسایی نقاط آسیب‌پذیر داخلی، رخنه، ارتباط‌گیری و گسیل عوامل فرهنگی به داخل به سازماندهی، شبکه‌سازی و جریان‌سازی اهداف شوم خود می‌پردازد. هدف از این عملیات، رخنه در باور، اعتقاد، ارزش‌های مخاطب داخلی و جایگزینی آن با ارزش‌ها و سبک زندگی غربی است. استحاله از درون با جنگ اعتقادی و هویتی تکمیل و به اهداف خود می‌رسد.^۱ دستاورد این سه مرحله در جامعه هدف، از خود بیگانگی فرهنگی، نگاه غیر بومی و مصرف‌گرایی فرهنگی می‌باشد.^۲

۱. علیرضا موحد، «نفوذ فرهنگی؛ رویکرد تمایل‌گرایانه مبتنی بر دیپلماسی نظام سلطه»، عملیات روانی، س ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ش ۴۲، ص ۹۳.
 ۲. اصغر افتخاری، «جنگ نرم؛ رویکرد فرهنگی»، جنگ نرم فرهنگی: درآمدی بر نسبت امنیت و فرهنگ، میشل ویلیامز، تهران، امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، ص ۴۱-۴۰.

در خصوص نفوذ در نهادهای آموزشی ایران از منظر اسناد لانه جاسوسی پژوهشی انجام نشده است و صرفاً مقاله‌ای با عنوان «نفوذ فرهنگی به روایت اسناد لانه جاسوسی امریکا در ایران»^۱ منتشر شده که بیشتر جمع‌آوری بخش‌هایی از اسناد در خصوص ابعاد فرهنگی نفوذ می‌باشد و از این حیث، اثر حاضر دارای نوآوری می‌باشد. مرجع اصلی بررسی این مقاله و جامعه آماری، مجموعه «اسناد لانه جاسوسی امریکا در ایران» است که برای استخراج اطلاعات، از روش تحلیل محتوای کیفی به منظور استنباط معتبر داده‌ها بهره گرفته می‌شود و با مطالعه عینی، کیفی و سیستماتیک فرآورده‌های ارتباطی، از واحد تحلیل «عبارات» بهره خواهیم گرفت.

نفوذ فرهنگی در نهادهای آموزشی ایران از منظر اسناد لانه جاسوسی

جنگ نرم علمی و نفوذ علمی یکی از مظاهر جدید جنگ می‌باشد؛^۲ و دشمنان جامعه ایرانی همواره برای سیطره یافتن بر منافع خویش در ایران، از هر ابزار و شیوه‌ای بهره جستند که ضمن تصاحب منابع ملی ایرانیان، آینده خویش را هم در کشور تضمین نمایند. یکی از شیوه‌های غرب برای ماندگاری و ایجاد فضای مناسب برای حاکمیت خود در ایران، نفوذ علمی در نهادهایی نظیر مدارس، دانشگاه‌ها و... بوده است؛ به همین منظور با برنامه‌ریزی‌های مختلف فرهنگی و نفوذ در مدارس ایرانی، تلاش کردند با دگردیسی در فرهنگ ایرانی و توسعه انسان‌های وابسته به غرب، جای پای خود را در این مملکت مستحکم سازند.

اسناد لانه جاسوسی امریکا در ایران، مملو از مستندات است که گواهی بر همین موضوع دارد. در یکی از گزارش‌های راهبردی در خصوص نفوذ در مراکز آموزشی و مدارس تشریح شده است که:

بخش قابل توجه و اصلی برنامه‌های آموزشی و تربیتی کودکان و نوجوانان به نهاد مدرسه واگذار شده است و این نهاد به دلیل اختصاص بخش زیادی از زمان و توجه دانش‌آموزان، ظرفیت بالایی در جهت دهی تربیتی و آموزشی نسل جدید را داراست؛ اما متأسفانه نه تنها ظرفیت‌های این نهاد در زمینه تربیت اسلامی مورد استفاده قرار

۱. سعید مستغاثی، «نفوذ فرهنگی به روایت اسناد لانه جاسوسی امریکا در ایران»، کیهان فرهنگی، زمستان ۱۳۹۴، ش ۳۵۱، ص ۳۲-۱۴.

۲. اصغر افتخاری، «جهاد علمی؛ دانشگاه و جنگ نرم علمی»، آموزش عالی، فرهنگ و قدرت نرم، تهران، امام صادقی (ع)، ۱۳۸۹، ص ۲۴-۱۵.

نگرفته است بلکه در حال تبدیل شدن به محلی امن برای نفوذ دشمن می‌شود. مسائلی از قبیل ورود برخی مطالب غیر ارزشی به کتاب‌ها و حذف برخی مطالب ارزشی، به حاشیه رانده شدن مراسم صبحگاهی و دعا و نیایش، ورود جشن‌های غیر اسلامی و آلات موسیقی به بهانه مناسبت‌های دینی و انقلابی، ورود رقص و آواز به مدارس، رنگ باختن برنامه‌های فوق برنامه و حماسی نظیر جشن پیروزی انقلاب، جذب افراد ضد انقلاب در مدارس غیر انتفاعی و بعضاً در بدنه آموزش و پرورش، تنها بخشی از پیامدها و بسترهای نفوذ دشمن در این نهاد مهم آموزشی و تربیتی است. معلم را می‌توان مهم‌ترین عنصر مدرسه دانست؛ ویژگی مهمی که در دین برای معلم و مربی آمده است، آغاز تربیت از خود معلم و مربی است. آگاهی از مسائل تربیتی، اساس انتخاب یک فرد برای حرفه معلمی است. دانش آموز از طریق مشاهده و تقلید کردن، به درون معلم می‌رود و گفتار و رفتار او را الگو قرار می‌دهد. پس ورود بی ضابطه افراد در چرخه آموزشی کشور می‌تواند پیامدهای ناگوار فرهنگی را به همراه داشته باشد.^۱

نفوذ فرهنگی در مدارس ایران از منظر اسناد لانه جاسوسی

در این بخش به بررسی نفوذ علمی و فرهنگی ایالات متحده در مدارس ایران از منظر اسناد لانه جاسوسی خواهیم پرداخت.

الف. تلاش برای تغییر آرمان‌ها و ارزش‌های دینی

یکی از تلاش‌های امریکاییان در مدارس ایرانی، تلاش برای تغییر ارزش‌ها و آرمان‌های دانش آموزان به همراه دگر دینی در سبک زندگی و زیست عقیدتی و مذهبی آنهاست. امریکا تلاش داشت در پرتو تلاش‌های سفارتخانه خود و قراردادهای علمی و فرهنگی نهادهای وابسته به خود، فرهنگ غربی که متضاد با ارزش‌های دینی و اعتقادات ایرانیان بود را به مدارس ایرانی منتقل سازد که البته بنا به اعترافات خود اعضای سفارت امریکا، خیلی از تلاش‌های غرب بر تغییر ارزش‌های دانش آموزان ایرانی به دلیل درایت علمای دین در ایران، منجر به شکست گردید:

انتقال و تبادل‌های قراردادی با انستیتوها و مدارس مدرن ایرانی کار

۱. نفوذ و تربیت؛ بررسی ساختار و بسترهای نفوذ دشمن در نهادهای تربیتی کشور، همان، ص ۲۹-۲۸.



کمی در ایجاد ارتباط میان امریکایی‌ها و علما انجام می‌دهد. هزاران ایرانی در امریکا یا اروپای غربی تحصیل کرده‌اند، اما وقتی که به ایران باز می‌گردند آرمان‌ها و طرز زندگی آنها تأییدی بر نظرات و عقاید علما در قبال ارزش‌ها و مفاهیم غربی است. در اشتیاق آنها به جذب یک دیسیپلین و یا تکنولوژی خاص، دانشجویان ایرانی دیدگاه‌ها و اطلاعات اندکی درباره اندیشه سنتی ایرانی در اختیار امریکایی‌ها می‌توانند بگذارند. مجذوبیت و یا اشتغال ذهن آنها به امور سیاسی زودرس و اطلاعات کم آنها از بدن بزرگ اندیشه اسلامی، توانایی آنها را در وارد شدن به بحث‌های معنی‌دار با معدود امریکاییانی که برای کشف نهادها و قالب‌های کلی خارجی (مثل روحانیت) آماده شده‌اند، کم می‌کند.^۱

در بخشی دیگر از اسناد مشخص است که کارداران سفارت امریکا مترصد رواج زندگی بی‌قید و بندی غربی و مبتنی بر آموزه‌های مفسده‌انگیز در جامعه ایرانی هستند و خود در محافل فساد شرکت می‌جویند. به عنوان مثال، یکی از کارداران سفارت به واشنگتن این چنین وضعیت رفاه‌زدگی مادی برخی از مسئولان را تشریح می‌کند:

با تمام این حرف‌ها و خطرات ما به زندگی عادی و راحت‌مان ادامه می‌دهیم و چند نمونه می‌آورد از مسابقات ورزشی و مجالس رقص و عیاشی که بعضی ایرانی‌های طاغوتی هم هستند.^۲

ب. ترویج غرب‌گرایی

از دیگر شیوه‌های نفوذ غرب در مدارس ایرانی، حمایت از شاهان ایرانی برای غربی‌سازی محصلین مدارس بوده است:

در زمان دو شاه پهلوی، غرب‌گرایی مشروعیت و مقامی کسب کرده بود و توانسته بود خاطرات گذشته اسلامی را از اذهان بسیاری از افرادی که به مدارس غربی شده می‌رفتند و یا تحصیلات عالی خود را در خارج از کشور می‌گذرانیدند، عملاً بزداید. پس از کمال آتاتورک در ترکیه و بعد از جنگ جهانی دوم، شاهان پهلوی دائم در تلاش بودند که نهادهای اسلامی را به عنوان بقایای ارتجاعی گذشته‌ای که دیگر مناسب زمان حال نبوده مطرود است به مردم بشناسانند. برای اینکه

۱. اسناد لانه جاسوسی/ امریکا، تهران، مؤسسه پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۱۵۹.

این پیشگویی شان باور مردم شود، در این زمینه و جهت گام‌هایی نیز برداشتند... شاهان ایران سعی داشتند که ایران را به اجبار از طریق یک مرحله غربی شدن که شامل جدایی حکومت از مذهب باشد که در اروپا طی طریقی چند صد ساله داشت، بگذرانند.^۱

البته در گزارش‌های دیگر نمایان است که به رغم اجباری بودن روند غربی‌سازی مدارس و جامعه در دوران پهلوی، غرب و به خصوص امریکا به شدت از روند مدرنیزاسیون ایران با تمرکز بر «تقلید فرهنگی از غرب» حمایت می‌کردند. به عنوان مثال، سولیوان در یکی از گزارش‌های خود اذعان می‌دارد که از گروه‌های غرب‌گرا در ایران به عنوان گروه‌های مترقی حمایت می‌کنند:

اگر هر گروه میانه‌رو و متمایل به غرب که به مبارزه علیه (ملاها) برخیزد، در مورد او به عنوان یک گروه (مترقی) با علاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد.^۲

از این رو، مدارس و دانشگاه‌های داخلی که متأثر و در واقع شعب مراکز عملی غرب بوده‌اند مروج و اشاعه‌دهنده فرهنگ و تمدن مادی مغرب‌زمین بوده‌اند و همچنان که فرهنگ و تمدن غرب به لحاظ اخلاقی و انسانی رو به انحطاط می‌رفته است، به تبع آن روشنفکران جهان سوم و کشورهایی نظیر ایران که دست‌پرورده این به اصطلاح مراکز علوم و تمدن عصر جدید بودند نیز از فرهنگ اصیل جامعه خویش دور می‌شدند و سیر قهقراپی می‌پیموندند؛ به طوری که غرب‌زدگی به عنوان یک جریان عام تمامی ابعاد اجتماع ما را در بر گرفت و هر آنچه نشان از تمدن جدید غرب داشت از قبیل فرهنگ مصرفی، نظام پیچیده بوروکراتیک اداری، رفاه‌طلبی، پول‌پرستی، تجمل‌پرستی و... در جامعه حکم مبنای معیار ارزشی را پیدا کرد. بدین گونه بود که غرب‌زدگی بازیربنای فلسفی و اعتقادی خاص خود، بیماری مزمن روشنفکران و تحصیلکرده‌های جامعه شد و در این میان تنها کسانی که متمسک به فرهنگ اصیل اسلامی موجود در متن جامعه و اسلام‌شناسان واقعی و متشرعین شدند، توانستند از گرداب سلطه فرهنگی غرب‌رهایی یابند.^۳

پ. تلاش برای سازماندهی معلمین در راستای مقاصد ایالات متحده
یکی از استراتژی‌های سفارت امریکا در ایران برای تحصیل منافع غرب و به خصوص

۱. همان، ص ۶۸۷-۶۸۶.

۲. همان، ص ۷۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۸۸.



امریکا در ایران، تلاش برای نفوذ در شبکه معلمان بوده است. به عنوان نمونه، سفیر امریکا بارها با محمد درخشش ملاقات می‌نماید و به دلیل ریاست وی بر کانون معلمان، تلاش می‌کند از جایگاه وی برای سازماندهی معلمان برای دست‌یابی به اهداف امریکا بهره بگیرد. در گزارش یکی از اعضای سفارت امریکا در ایران آمده است:

چندی پیش چند شب پی در پی مشاور سیاسی با محمد درخشش، رئیس کانون معلمان... ملاقات کرد. در این ملاقات‌ها تمام مسائل هفته سال گذشته مطرح شد. درخشش پس از شغل وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش)، دیگر پست دولتی نداشته... او رهبر کانونی است که ۴۰۰۰۰۰ معلم در سراسر کشور عضو آن هستند. درخشش از افراد نادری است که می‌تواند نوعی سازماندهی به وجود آورد. او اشاره کرده است که شدیداً علاقه‌مند است که خط سازشکارانه‌ای را راه بیندازد.^۱

گزارش فوق‌الذکر نشان می‌دهد که اعضای سفارت امریکا مترصد نزدیکی به شخصیت‌هایی بوده‌اند که در میان نهادهای علمی و معلمان مدارس شاخص باشند و از این طریق بتوانند در مسیر اهداف ترسیم‌شده خویش، رفتار معلمان را منطبق با سیاست‌های خود سازماندهی نمایند.

ت. تقلیل دادن روحیه ضد امریکایی در بین معلمان و دانش‌آموزان در مدارس

در حقیقت جلوگیری از حرکت ضد امریکایی در ایران و ایجاد تفاهم و دوستی بین ایران و امریکا و همچنین ایجاد وابستگی فرهنگی و سمپاشی نسبت به امریکا در بین مردم و مقامات مملکتی هدفی است که امریکا با طرح‌های فرهنگی و سیاسی خود دنبال می‌کرده است و در یک مجموعه هماهنگ به پیشروی خود در انقلاب اسلامی ادامه می‌داده است:

افرادی که روابط بین‌المللی امریکا باید با آنها تماس بگیرد عبارت‌اند از: ... معلمان و شاگردان. هیچ مؤسسه‌ای و یا روشی قادر نیست که این احساسات روحیه ضد امریکایی را تقلیل دهد، هر چند که نامطمئن و غیر واقعی باشند.^۲

به عبارتی دیگر، اداره روابط بین‌المللی امریکا مأمور برقراری ارتباط با معلمان و دانش‌آموزان برای تغییر روحیه و گرایش فرهنگیان و دانش‌آموزان نسبت به امریکا و

۱. همان، ج ۱، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۱۱.

سیاست‌های فرهنگی این کشور بود. این ارتباط برای کاهش روحیه ضد امریکایی در مدارس و سایر نهادهای علمی ایران به حدی برای امریکا مهم بوده است که ماه‌های نزدیک به انقلاب اسلامی، کاهش معلمان امریکایی در ایران را تهدیدی علیه منافع خود اعلام می‌کنند:

انستیتوهای آکادمیک ایران یک سال پیش از معلمان و مشاوران و محققان امریکایی استفاده می‌کرد. اکنون بیش از چند تایی باقی نمانده‌اند و محیط‌های دانشگاهی روی هم رفته در حال حاضر از آوردن استادان خارجی خودداری می‌کنند. با توجه به مهاجرت تعداد زیادی متخصص ایرانی و امریکایی، این موقعیت ممکن است عکس شود. اما مطمئناً تا وقتی که حساسیت ضد خارجی و به خصوص ضد امریکایی از شدتش کاسته نشده است، این امر امکان‌پذیر نیست.^۱

از برخی اسناد سفارت امریکا می‌توان دریافت که کارداران سفارت اعتقاد داشتند نهادهای آموزشی ایران می‌توانند در ایجاد رابطه صلح‌آمیز بین ایران و امریکا مؤثر باشند و از روحیه ضد امریکایی مردم ایران نسبت به امریکا بکاهند. به عنوان مثال در یکی از گزارش‌های سفارت آمده است:

نهادهای دانشگاهی ایران یک سال قبل دارای عده زیادی امریکایی بود که تدریس می‌کردند. آنها یا سمت‌های مشاور داشتند یا سرگرم پژوهش بودند. از این تعداد مشتی بیش نمانده‌اند و محوطه‌های دانشگاه روی هم رفته فعلاً از وارد کردن مدرسین اجتناب می‌کنند. با خروج به مقیاس بزرگ کادرهای واجد شرایط چه ایرانی و چه امریکایی، این اوضاع ممکن است معکوس شود؛ ولی بدون شک تا زمانی که حساسیت‌های ضد بیگانه و به ویژه ضد امریکایی از حدت و شدت کاهش یافته باشد، این چنین نخواهد شد.^۲

ث. کسب اطلاعات علمی و آموزشی از معلمین خارجی در مدارس ایرانی

دیوید. اچ. بلی که مأمور اطلاعات ملی امریکا برای خاورمیانه بوده است در ۱۳ آبان ۱۳۵۵ طی گزارشی از سفارت امریکا تأکید می‌کند که دانشجویان مبادله‌ای و معلمین امریکایی که در ایران به فعالیت آموزشی در مدارس مشغول بودند، باید تخلیه

۱. همان، ص ۲۱۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۴۳.

در طراحی نفوذ، دشمن به صورت دوست جلوه می‌کند و حقیقت را به شکل باطل و باطل را در لباس حق نشان می‌دهد و از نقاطی که مردم قدرت تحلیل ندارند، ضربه می‌زند

اطلاعاتی شوند و به صورت متناوب توسط مأموران سیاسی در مورد مسائل مدارس و آموزش عمومی‌شان پرسش‌هایی انجام شود تا دامنه اطلاعاتی امریکا از وضعیت مدارس و دانشگاه‌های ایران ارتقا یابد:

دانشجویان مبادله‌ای، معلمین،

مبلغین مذهبی و غیره که برای مدتی

در ایران زندگی می‌کنند، بایستی که به طور متناوب بر یک اساس برگزیده (منتخب) درباره اطلاعاتی که از طریق فعالیت‌های عادی‌شان کسب می‌کنند، مورد سؤال و پرسش قرار گیرند.^۱

برای کسب اطلاعات، سفارت امریکا تلاش می‌کرد تا شخصیت‌های بانفوذ در نهادهای آموزشی و پرورشی کشور را شناسایی نماید و از این طریق، اطلاعات مورد نیاز خود را به دست آورد. به عنوان مثال در یکی از گزارش‌های سفارت امریکا پیرامون یکی از اعضای آموزش و پرورش ایران آمده است:

دکتر امیر بیرجندی از وزارت آموزش و پرورش، منبع خیلی عالی برای

کسب اطلاعات در مورد وضع آموزش به طور عمومی در ایران است.^۲

ج. ترویج زبان انگلیسی در مدارس و بین دانش آموزان

امریکایی‌ها نیز بر بهره‌برداری ابزاری از زبان انگلیسی برای پیشبرد اهدافشان اذعان دارند. یکی از مهم‌ترین اسنادی که استفاده جهت‌دار از زبان انگلیسی را نشان می‌دهد «سند راهبرد امنیت ملی امریکا در سال ۲۰۱۰» است. در این سند، لزوم توجه به آموزش زبان انگلیسی و بهره‌برداری از آن برای گسترش قدرت امریکا مورد تأکید قرار گرفته است: گسترش زبان انگلیسی و نفوذ فرهنگ امریکا از اولویت‌های اصلی و بزرگ امریکایی‌ها در سفر، کار و مذاکره با کشورهای خارجی است. ما باید مهارت‌هایی را توسعه دهیم که به ما کمک می‌کند تا در اقتصاد پویا و متنوع جهانی موفق باشیم. ما از برنامه‌هایی حمایت خواهیم کرد که منافع و رهبری ما را در زبان‌های خارجی و امور درون فرهنگی ترویج می‌دهند. تری لوکاچ به عنوان یک متفکر نظامی امریکایی، زبان انگلیسی را آخرین سلاح زرادخانه امریکا در قرن بیست و یکم معرفی می‌کند. توماس مولوی پس از حدود ۴۰ سال فعالیت در مراکز آموزش زبان انگلیسی وزارت دفاع امریکا

۱. همان، ج ۱، ص ۴۳۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۸۰.



به مسئولان امریکا می‌گوید زبان انگلیسی از قدرت بسیار عظیمی برای ایجاد نفوذ در دیگران برخوردار است. وی به سیاست‌گذاران امریکایی یادآور می‌شود که با توجه به اهمیت زبان انگلیسی، منطق حکم می‌کند که امریکا در تدوین سیاست قدرت نرم خود، آموزش زبان انگلیسی را در اولویت قرار دهد. او عقیده دارد که آموزش زبان انگلیسی در کشورهای دیگر راه بسیار ارزان و حتی سودآوری برای گسترش قدرت نرم امریکا است. وی تأکید دارد که این والدین زبان‌آموزان هستند که به میل خود و با صرف پول در آموزشگاه‌ها به یادگیری زبان انگلیسی به وسیله فرزندان خود اقدام می‌کنند و از این راه فرهنگ امریکایی و قدرت نرم آن را در میان زبان‌آموزان افزایش می‌دهند.^۱ در همین راستا، یکی از برنامه‌های سفارت امریکا در ایران، گسترش زبان انگلیسی در مدارس و جامعه ایرانی بود زیرا این موضوع را در ارتباط با منافع ملی خود در نظر می‌گرفت. به عنوان مثال در یکی از گزارش‌های آژانس ارتباطات بین‌المللی امریکا در سال ۱۳۵۸ آمده است که:

به رغم این مشکلات فرصت‌های مناسبی حاصل شده است که ما قادریم از آنها بدون توجه به کمبود منابع اطلاعاتی خود استفاده کنیم: حساب بانکی مدرسه بین‌المللی شیراز به ما واگذار شد. در اثر تلاش‌های استاندار شیراز، ساختمان مدرسه در اختیار ما قرار گرفت. گردانندگان مدرسه دوباره تعیین شده‌اند و طرح‌هایی برای شروع آموزش زبان انگلیسی آغاز گشته است. نسخه‌های ترجمه‌شده قانون اساسی امریکا که به وسیله مجلس خبرگان درخواست شده بود در اختیار آنها قرار گرفت که به عنوان یک سند مفید در مرحله تصویب قانون اساسی ایران مورد استفاده قرار گیرد. نشرهایی در مورد از سرگیری مجدد خدمات کنسولی که در اختیار ابواب ارتباط جمعی قرار گرفت و به نوبه خود بی‌نظمی و شایعات زشت و عدم تفاهمات را کاهش داده و در نتیجه به نفع ما تمام شد.^۲

موضوع آموزش زبان به حدی برای امریکا اهمیت دارد که حتی بعد از انقلاب اسلامی، در تحلیل‌های اعضای سفارت امریکا، از علاقه افراد به آموزش زبان انگلیسی صحبت به میان می‌آید. به عنوان مثال در یکی از گزارش‌ها آمده است:

۱. قدرت حاجی رستم‌لو، «آموزش زبان انگلیسی به مثابه ابزار نفوذ فرهنگی»، عملیات روانی، س ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ش ۴۲، ص ۷۳-۷۲.
۲. اسناد لانه جاسوسی امریکا، همان، ج ۱، ص ۱۱۲.

علاقه به آموختن زبان‌های خارجی و به ویژه انگلیسی همچنان در سطح بالا قرار گرفته است و تعداد زیادی از دانشجویان ایران گرایش به آموزش و پرورش غربی و امریکایی دارند.^۱

سفارت امریکا، یکی از مزایای ترویج زبان انگلیسی را، آماده شدن محصلان برای فرا گرفتن آموزش‌های غربی و حضور در امریکا برای آموزش و ادامه تحصیل مبتنی بر اهداف امریکا می‌داند:

با وزارت علوم دولت ایران همکاری کنید تا جوانان ایرانی بیشتری برای تحصیل در امریکا آماده شوند و به عمل آیند. موقعیت‌های محصلین ایرانی را که در پی تحصیل در امریکا می‌باشند در موارد مناسب ارزیابی کرده و مشورت و تعلیم انگلیسی قبل از عزیمت را زیاد کنید.^۲

چ. فعالیت‌های گسترده انجمن فرهنگی ایران و امریکا در نهادهای آموزشی ایران

فعالیت انجمن‌های فرهنگی و علمی را می‌توان در چهار چوب دیپلماسی عمومی کشورها دنبال نمود و این سیاست در عرصه خاورمیانه نیز، توسعه یک راهبرد بلندمدت برای افزایش تعاملات فرهنگی و آموزشی، برای ایجاد یک جامعه مدنی غنی‌تر و بازتر در کشورهای خاورمیانه است. همان‌گونه که جوزف نای تأکید کرده است:

مؤثرترین سخنگویان برای امریکا در این منطقه امریکایی‌ها نخواهند بود بلکه افراد بومی که نقاط قوت و ضعف امریکا را درک کرده‌اند، در این خصوص مؤثرتر خواهند بود. یک نمونه جذاب در رابطه با این موضوع بین لس‌آنجلس و تهران در حال وقوع است، جایی که ایرانیان مقیم خارج، برای تشویق مردم جهت انجام اصلاحات سیاسی، از طریق شبکه‌های تلویزیونی خصوصی برای ایرانیان داخل کشور برنامه پخش می‌کنند. میزان زیادی از کارهای لازم برای برقراری یک جامعه مدنی باز، می‌تواند از طریق شرکت‌های تجاری، مؤسسات، دانشگاه‌ها و سایر سازمان‌های غیرانتفاعی انجام گیرد. شرکت‌های تجاری امریکایی می‌توانند فناوری‌هایی برای مدرنیزه کردن سیستم‌های آموزشی در کشورهای عربی و کنار گذاشتن شیوه‌های تکراری یادگیری ارایه دهند. دانشگاه‌های امریکایی می‌توانند برنامه‌های بیشتری برای

۱. همان، ج ۲، ص ۲۴۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۳.

تعامل با دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های این کشورها در نظر بگیرند. بنیادهای امریکایی نیز می‌توانند از گسترش مؤسسات مطالعات امریکا در کشورهای عربی یا برنامه‌هایی که تخصص روزنامه‌نگاران را افزایش می‌دهد، حمایت کنند. دولت می‌تواند از تدریس زبان انگلیسی حمایت و تبادلات دانشجویی را از لحاظ مالی تأمین کند.^۱

انجمن فرهنگی ایران و امریکا صرفاً و به طور یک طرفه ناقل فرهنگ غرب به ایران بود. از جمله فعالیت‌های این انجمن، می‌توان آموزش زبان انگلیسی و نیز آموزش فرهنگ، تاریخ و تحولات اجتماعی جامعه معاصر امریکا را بر شمرد که توسط استادان زن به ایرانیان آموزش داده می‌شدند. در کلاس‌های انجمن، باب گفت‌وگو میان استاد و دانشجو باز بود و از مسائل خانوادگی گرفته تا رویدادهای جامعه و چگونگی روابط انسانی در جامعه نوین امریکا بحث می‌شد. تبادل دانشجو میان ایران و امریکا، توسط انجمن صورت می‌گرفت و دانشجویان امریکایی، تعطیلات تابستانی خود را با خانواده‌های ایرانی سپری می‌نمودند. از دیگر فعالیت‌های هدفدار انجمن فرهنگی ایران و امریکا در جامعه ایران، می‌توان موارد زیر را بر شمرد:

نمایش فیلم‌هایی که فرهنگ و تمدن امریکا، رشد و رونق هنر، صنعت، تکنیک، دانش، آزادی‌های اجتماعی، معرفی دانشگاه‌ها، رشد سیاسی، جامعه مدنی، زنان، کودکان، منابع طبیعی و زیبایی‌های محیط زیست امریکا در آنها ارایه می‌شد؛ نمایشگاه‌های مختلف درباره هنر، ادبیات، موسیقی، سنن امریکایی، کنسرت پیانیست‌های معروف، برگزاری جشن روز پیدایش و روزهای مقدس در آیین مسیحیت، سخنرانی در مورد شعر، ادب، روزنامه‌نگاری؛ و نیز سخنرانی‌های متعدد با حضور اساتید دانشگاه‌های امریکا در مواردی چون انسان‌شناسی، فلسفه و فرهنگ امریکایی، شعر، تاریخ و جغرافیا و امور آموزشی و فرهنگی انجام می‌شد.

امریکیان از طریق ارتباط با توده‌های شهری و روستایی ایران، از حرکت‌های سیاسی-مذهبی مردم مسلمان اطلاع حاصل می‌کردند و به تدریج به اعمال نفوذ و تأثیر در فرهنگ ایران می‌پرداختند. در واقع انجمن فرهنگی ایران و امریکا یکی از بازوهای قوی جاسوسی امریکا در ایران محسوب می‌شد و مطمئناً بسیاری از اعضا و اداره‌کنندگان آن، مأموران کارآزموده سیا بودند.^۲ این انجمن ادعای فعالیت‌های درخشان علمی در

۱. جوزف نای، قدرت نرم، ترجمه روحانی و ذوالفقاری، تهران، امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، ص ۲۱۶-۲۱۵.
 ۲. اصغر حیدری، «انجمن فرهنگی ایران و امریکا با چه هدفی تشکیل شد؟»، کیهان، ۱۳۹۳/۴/۲۵، ص ۶.



ایران را داشت: «انجمن ایران و امریکا مدعی است که یک برنامه درخشان علمی را در پیش گرفته است.»^۱

در بخشی دیگر از اسناد در خصوص فعالیت‌های این انجمن فرهنگ در تقویت رابطه ایران و امریکا از طریق فعالیت‌های آموزشی آمده است:

یکی از مهم‌ترین پیوندهای ارتباطی نهادی ما با ایرانیان چه در تهران و چه در شهرستان‌ها در قبل از انقلاب، مرکزی به نام انجمن ایران و امریکا بوده است. در اصفهان و تهران این دو مرکز از خشونت انقلاب آسیب ندیده بیرون آمده است (شاید این امر تعمدی نیز باشد) و تدریس زبان انگلیسی و فعالیت کتابخانه‌ای از سر گرفته شده است (کتابخانه آژانس ارتباطات بین‌المللی امریکا در تهران واقع شده است)... ما امیدواریم که دولت بتواند بازگشت آن را به زودی عملی سازد و تدریس انگلیسی در آنجا نیز از سر گرفته شود. ما معتقدیم که ادامه این نهادها در یک چنین دوران پر تشنجی در روابط ایران و امریکا بسیار اهمیت دارد. این نهادها با توجه به لزوم انتقال دفاتر آژانس ارتباطات بین‌المللی ایالات متحده به محوطه‌های امن دفتر سفارت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اکنون تنها پنجره‌های ما برای شنوندگان و مخاطبان ایرانی باز است.^۲

با این اوصاف می‌توان اذعان داشت که امریکا از همه ابزارهای فرهنگی خویش برای نفوذ فرهنگی در مدارس ایران بهره جست؛ زیرا اعتقاد داشت با تربیت و پرورش شخصیت‌هایی که در آینده می‌توانند در ایران به پست و مقامی برسند، می‌تواند آینده منافع خود را تضمین نمایند و افرادی را رشد دهند که در صدد ارتباط با امریکا و ارزش‌های سیاسی و فرهنگی این کشور باشند. به همین منظور از هیچ تلاشی در راستای نفوذ در مدارس ایران دریغ نکرد و سعی داشت از این طریق به اهداف زیر دست یابد:

تغییر ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و ایرانی، دگردیسی در سبک زندگی ایرانیان، ترویج زبان انگلیسی، سازماندهی معلمان در راستای اهداف خویش، از بین بردن روحیه ضد امریکایی در دانش‌آموزان و جامعه ایرانی و غیره.

ح. بسترسازی برای ایجاد نفاق در مدارس

جان گریوز در روابط عمومی سفارت امریکا در ایران نیز طی گزارشی که به کشورش

۱. اسناد لانه جاسوسی/ امریکا، همان، ص ۷۴۹.

۲. همان، ص ۲۴۳.

ارسال می کند تأکید می کند که یکی از سناریوهای تأمین کننده منافع امریکا در ایران، ایجاد نفاق در مدارس ایرانی است و درگیری میان دانش آموزان و کادر آموزشی مدارس زمینه ساز یک نارضایتی عمومی در جامعه ایرانی خواهد شد:

تحلیلی از اوضاع کنونی بکنم و کارهایی را که در شش ماه آینده در رابطه با افزودن منافع امریکا در ایران می بایست انجام داد، بگویم... نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادرهای مدارس و هر دو می تواند باعث بسته شدن مدارس برای مدت طولانی بشود و در نتیجه باعث نارضایتی عمومی گردد یا تبدیل به خشونت های افراطی بشود.^۱

در همین راستا، سفارت سعی می کرد میان گروه های مذهبی و گروه های لیبرال مسلک شکاف ایجاد نماید و با بهره گیری از چهره های منافق و استعانت از فرصت های ناشی از اختلاف میان اساتید و مربیان در نهادهای آموزشی، نهایت استفاده را در نفوذ و رخنه فرهنگی بیرد.

نفوذ فرهنگی در دانشگاه ها از منظر اسناد لانه جاسوسی

دانشگاه مبدأ تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر جامعه ای است و رخت در این نهاد علمی می تواند رکود ملی و وابستگی سیاسی را به همراه داشته باشد. به همین دلیل، امریکا برای چپاول سرمایه های انسانی و طبیعی ایرانیان، مترصد تزلزل در پایه های علمی ایران در دانشگاه ها بود و یکی از شیوه های تأثیرگذار سفارت امریکا در حوزه دانشگاه ها، نفوذ فرهنگی بود که از شیوه ها و زمینه های مختلف صورت می گرفت. امریکا به خوبی می دانست که دانشگاهیان و دانشجویان یکی از مهم ترین قشرهای تأثیرگذار در جامعه ایرانی بودند و همان گونه که در برخی از تحلیل های لانه جاسوسی مشخص است:

شاید ممتازترین گروه قبل از انقلاب، دانشجویان و استادان جوان بودند که به وسیله رهبران و گروه های زیرزمینی از رادیکال گرفته تا لیبرال رهبری می شوند یا مورد استفاده قرار می گیرند. اینها پیروان عینی و سمعی انقلاب در تهران بودند.^۲

از این رو سعی داشتند با بهره گیری از ابزارهای فرهنگی، علمی، مراودات و مهمانی های

۱. همان، ص ۶۳.

۲. همان، ص ۱۴۶.

با بررسی مبانی و اصول مربوط به پروژه نفوذ فرهنگی می‌توان مراحل آن را در سه گام صورت‌بندی کرد: گام اول، رخنه و سرپیل‌گیری؛ گام دوم، ارتباط‌گیری و جایگزینی؛ گام سوم، استحاله از درون

برنامه‌ریزی شده، در شخصیت‌های دانشگاهی و علمی کشور نیز نفوذ و رخنه علمی و فرهنگی نمایند تا از این طریق بتوانند منافع خود را تأمین و در عین حال، روند سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی را کنترل کنند. در اسناد لانه جاسوسی به صراحت و مستقیم می‌توان مشاهده نمود که نهادهای علمی و دانشگاهی ارتباط مستقیمی با منافع ملی آمریکا دارند و در این خصوص برنامه‌ریزی‌های زیادی در ایران انجام داده‌اند. به عنوان مثال در بخشی از گزارش ۱۳ مارس ۱۹۷۸ که توسط شلنبرگر از لانه جاسوسی به آمریکا ارسال شده است، ذکر گردیده:

اینها زمینه‌هایی هستند که مربوط به نیازهای آمریکا و همچنین ایران می‌باشند و مدارهای متعددی به ویژه در خارج از تهران و در بعضی از نهادهای جدید دانشگاهی برای احتراز از موارد زائد وجود دارد. اینها شامل منابع انرژی متناوب و مسئله اشاعه نیروهای هسته‌ای و تعالی در تحصیلات و نگرانی‌های محیطی و مطالعات امریکایی و فارسی و ارتباطات در رشد ملی و مشاورت در امور جهت‌گیری دانشجویان و تدریس انگلیسی و پیشبرد بازرگانی و هنرهای زیبا می‌شود.^۱

با توجه به اهمیت موضوع نفوذ فرهنگی و علمی غرب در دانشگاه‌های ایران برای تحصیل منافع خودشان، در ادامه به بررسی ابعاد نفوذ فرهنگی آمریکا در دانشگاه‌های ایران خواهیم پرداخت.

الف. حمایت از دانشگاهیان مخالف نهادهای حوزوی و علمای دین

دانشگاه‌ها کانون تولید و انتقال علم، فرهنگ‌پذیری، انتقال و بازتولید ارزش‌های فرهنگی در سطح ملی هستند و تأثیرپذیری این نهاد در برابر نفوذ دشمن پیامدهای خود در بخش‌ها و نهادهای مختلف جامعه را نشان می‌دهد. این در حالی است که مجموعه‌ای از روندهای عمیق و گسترده در دانشگاه حاکی از غلبه فرهنگی و تمدنی غرب در دانشگاه‌های ایران است. غرب‌زدگی اساتید و دانشجویان، ترجمه‌محوری و خودباختگی در برابر علم غربی از یک‌سو و بحران‌های فرهنگی-اجتماعی و آشوب‌های سیاسی از سوی دیگر نشان‌گر نفوذ گسترده دشمن در این نهاد تأثیرگذار است. همچنین بررسی

۱. همان، ص ۷۰۹.

سیاست‌ها و اقدامات کشورهای غربی برای نفوذ در ایران نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها و مراکز علمی یکی از نقاط تمرکز اصلی در این پروژه محسوب می‌شوند.^۱ همان‌گونه که در گزارشات اسناد لانه جاسوسی هویداست، «دانشگاه‌ها همواره برای مدت‌ها کانون فعالیت‌های سیاسی در داخل ایران بوده‌اند»^۲ و همین امر منجر به حمایت امریکا از شخصیت‌های مخالف روحانیون می‌شود؛ به گونه‌ای که از اساتید و دانشجویانی که نسبت به غرب گرایش داشتند، حمایت‌های ویژه‌ای می‌شد. به عنوان مثال، در یکی از گزارشات آمده است:

دکتر عدنان مزارعی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران و کارمند سابق سفارت، بخش اقتصادی به تقاضای خود در ۲ ژانویه با مأمور سیاسی Perett ملاقات کرد. مزارعی در این ملاقات خواستار حمایت امریکا از گروه سیاسی خود (راما: پیام‌آور نوع‌دوستی مردم ایران) شد. این گروه مبتنی بر ایدئولوژی نوع‌دوستی است که قادر است ایران را از فشار قدرت مارکسیست‌ها و اسلامی‌های افراطی نجات دهد. گروه مزبور میانه‌رو، رفرمیست و متمایل به غرب است. مزارعی گفت که با درخشش تماس گرفته و قرار شده که در هر کدام موفقیت کسب گردد به دیگری ببینند. او امیدوار است که برای تبادل اطلاعات با ما به طور مرتب تماس داشته باشد و ما موافقت کردیم که دوباره با وی ملاقات کرده و جریان تلاش سیاسی او را مخفی نگه داریم. مزارعی آدم ماهر و هوشیاری است. بیوگرافی استخدام و خدمت صادقانه او در سفارت در سال ۵۸ و ۵۹ موجود است. ما هیچ نوع تأیید جدا و مستقلاً از قدرت و نفوذ سیاسی او نداریم؛ اما هر گروه میانه‌رو و متمایل به غرب که به مبارزه علیه ملاحا برخیزد، در مورد او به عنوان یک گروه مترقی با علاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد.^۳

در این راستا، سفارت تأکید می‌کند که این دانشگاهیان را باید در مؤسسات آموزشی امریکا به خوبی تربیت کرد و آموزش داد:

کوشش قابل ملاحظه‌ای باید به عمل آید تا جوانان ایرانی تنها به مؤسسه‌هایی در ایالات متحده بروند که می‌توانند به دانشجویان بیگانه

۱. نفوذ و تربیت؛ بررسی ساختار و بسترهای نفوذ دشمن در نهادهای تربیتی کشور، همان، ص ۴۱.

۲. اسناد لانه جاسوسی امریکا، همان، ج ۲، ص ۹۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۷۹.

تعلیم و تربیت خوبی بدهند. این کار از طریق اصلاح کار مشاوره در ایران و همچنین اقدام در واشنگتن برای تأمین اینکه تنها مؤسسات واجد شرایط با معیارهای عالی دانشگاهی اجازه داشته باشند دانشجوی خارجی بپذیرند، عملی است.^۱

ب. مراودات اطلاعاتی با اساتید و دانشگاهیان متمایل به غرب

استاد، یکی از ارکان اصلی آموزشی و تربیتی در دانشگاه است و غلبه اساتید سکولار در این نهاد نه تنها بستر نفوذ دشمن را در اذهان دانشجویان فراهم می‌کند بلکه مصداق عینی نفوذ در دانشگاه محسوب می‌گردد. در واقع اساتیدی که دلباخته غرب هستند، بازوهای اصلی نفوذ و مروجین ارزش‌های غربی و مهم‌تر از آن مانع خلاقیت و خودباوری علمی در دانشگاه‌ها هستند. باید توجه داشت که بخشی از این اساتید ما حاصل پروژه درازمدت غرب برای نفوذ فرهنگی هستند و ناخواسته ارزش‌ها و اصول حاکم بر تمدن غربی را در ذهن دانشجویان پرورش می‌دهند. فارغ از این طیف از اساتید دانشگاه که درون تمدن غربی هضم شده‌اند، افرادی نیز به صورت آگاهانه و به رسم مبارزه، با دستگاه معرفتی جامعه هدف به مقابله می‌پردازند.^۲ در این زمینه، کاردار و اعضای سفارت امریکا سعی می‌کردند با فراهم کردن زمینه حضور اساتید دانشگاه‌ها و شخصیت‌های علمی شاغل در نهادهای علمی ایران در محافل شان و در عین حال، با برنامه‌های فرهنگی تدارک دیده برای آنها، بسترهای کسب اطلاعات از آنها را فراهم آورند:

در شامی که در منزل افسر روابط عمومی ترتیب یافت در نمایش زنده‌ای نحوه نشان دادن اخبار مربوط به انقلاب ایران توسط تلویزیون‌های امریکا نشان داده شد. میهمانان اعضای برجسته انجمن خبرنگاران، مسئولین وزارت امور خارجه، یک نویسنده، یک هنرمند و یک عضو مدیریت مدرسه بین‌المللی امریکا در تهران که در دانشگاه تهران به تدریس حقوق مشغول است. کمک در ترتیب مهمانی‌های شبانه در منزل کاردار که در آن فیلم‌های امریکایی نمایش داده می‌شد و در یک مورد یک پیانیست امریکایی برنامه‌ای نیز اجرا کرد. مقامات دولتی، دکترها، وکیل‌ها و استادان دانشگاه مهمان‌های کاردار را تشکیل می‌دادند.^۳

۱. همان، ص ۶۲۵.

۲. نفوذ و تربیت؛ بررسی ساختار و بسترهای نفوذ دشمن در نهادهای تربیتی کشور، همان، ص ۵۰.

۳. اسناد لانه جاسوسی امریکا، همان، ص ۱۱۳-۱۱۲.

این شیوه، یعنی دادن میهمانی‌های مجلل یا خصوصی متشکل از افراد مورد نظر برای جلب دوستی، همکاری و در اختیار گذاشتن اخبار و اطلاعات، مورد استفاده قرار می‌گرفته است. بسیاری از گزارش‌های سفارت از این گونه میهمانی‌ها سرچشمه می‌گیرد. در حقیقت این میهمانی‌ها تورهای امپریالیستی برای گرفتن طعمه لذیذ و مورد استفاده است. در این خصوص می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

شک نیست زمینه‌ای که در جریان این وقایع شکل می‌گیرد، به دست آوردن اطلاعات لازم و مورد نیاز ما را بسیار مشکل می‌کند؛ گرچه هنوز شرایط به سطح بعضی از کشورهای جهان سوم که آنها روابط کارکنان سفارت و مردم محلی را شدیداً تحت کنترل دارند نرسیده است؛ ولی فشارهای چند هفته اخیر، ایران را به سوی چنان موقعیتی سوق می‌دهد. اطلاعات زیر توسط یک منبع به RO رسیده است که از یک میهمانی شام که توسط دوستش از وزارت دادگستری در روز ۳ آوریل برگزار شد کسب شده است. مهمانان غیر از منبع، یک تاجر ایرانی، دو ستوان پلیس، یک سروان پلیس و یک سرگرد دریایی بوده‌اند. همراه صحبت زیادی در مورد مسائل کلی و سیاسی، صحبت و بحث در مواردی که در مورد پلیس و نظم در ارتش است شد و مسائل دیگر...^۱

لینکن کاردار سفارت در گزارشی به وزارت امور خارجه آمریکا در ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ اعلام می‌کند که روحیه ضد امریکایی در دانشگاه‌ها منجر به کاهش یافتن منابع اطلاعاتی آنها در نهادهای علمی شده است و این در حالی است که دانشگاه، دانشجویان و اساتید به عنوان مهم‌ترین منابع آگاهی و اطلاعاتی آمریکا محسوب می‌شدند. در این گزارش آمده است:

عواقب نامطلوب تیره شدن روابط ایران و آمریکا خیلی از منابع اطلاعاتی خوب ما را از بین برده است و بی‌علاقه بودن عده‌ای از ایرانیان در برخورد و صحبت کردن با کارمندان سفارت آمریکا را افزایش داده است. این عکس‌العمل‌ها از زمان تصمیم ۱۷ ماه مه سنای آمریکا (محکوم کردن اعدام‌های دادگاه‌های انقلاب) شروع شد و سپس با تظاهرات در مقابل سفارت آمریکا در تاریخ ۲۴ و ۲۶ ماه مه و آن‌گاه نظرات یزدی در مورد (کاتلر) در مطبوعات و حمله شدید رسانه‌های گروهی اوج گرفت.



این عمل موقعیت ما را به طور قابل ملاحظه‌ای متزلزل کرده است؛ حتی بدتر از اوایل انقلاب. بعضی از منابع خبری در تهران اشاره کرده‌اند به اینکه سوءظن همکاران و دوستانشان نسبت به آنان رو به افزایش است. این حالت مخصوصاً در دانشگاه‌ها به شکل حادثش بروز کرده است؛ جایی که افراطیون روشنفکران را از مواضع ضد امریکایی مورد حمله قرار می‌دهند. آن طور که یکی از منابع خبری گزارش می‌دهد حتی کسانی که بیشتر در جریان کار قرار دارند با این موج از بین می‌روند.^۱

با این اوصاف، همراه با جنایات گسترده امپریالیسم امریکا در ایران، ملت ایران از هجوم فرهنگی غرب نیز در امان نماند و در سندهای ۱۳ و ۱۴ با ذکر فعالیت‌های مستقیم فرهنگی امریکا از انجمن ایران و امریکا و سپاه صلح، اشاره به تشکیل مجمع تفکر جوانان در جاسوس‌خانه امریکا متشکل از کارمندان جوان سفارت برای جست‌وجوی شیوه نزدیک شدن به جوانان ایرانی می‌شود؛ گذشته از اینها نفوذ فرهنگی غرب از طریق دانشگاه‌های داخلی ساخته دست خارج و اعزام دانشجویان ایرانی به امریکا اعمال می‌شود. سند شماره ۱۹ در سال ۱۹۷۵ آماری ارایه می‌دهد مبنی بر اینکه ۲۰ هزار دانشجوی ایرانی در امریکا تحصیل می‌کنند و بیش از ۵۰ دانشگاه امریکایی با مؤسسات آموزشی ایران رابطه دارند. همچنین در سند شماره ۱۱ به عنوان نمونه از تأسیس مرکز مطالعات مدیریت ایران تحت نظر دانشگاه هاروارد یاد می‌شود. این مرکز، تربیت متخصصان وابسته به امپریالیسم را همراه با حمایت‌های مداوم امریکا برای ادامه کار آن به عهده داشته است. مرکز برنامه‌ریزی برای جنایات و خیانت‌های امپریالیسم خونخوار امریکا در تهران، به اصطلاح سفارت‌تخانه یا در واقع مرکز جاسوسی شیطان بزرگ بوده است که در سند شماره ۱۳ از آن به عنوان هیئت بزرگ دیپلماتیک یاد می‌شود؛ که در سال ۱۹۷۴ به ادعای همین سند بزرگ‌ترین هیئت در خاور نزدیک بوده است. در واقع، به اصطلاح سفارت‌تخانه امریکانه تنها بر اداره کشور مانظارت داشته بلکه صاحب یک نقش فعال در کلیه کشورهای منطقه و ناظر به فعالیت‌های سایر به اصطلاح سفارت‌تخانه‌های شیطان بزرگ بوده است.^۲ در جایی دیگر در خصوص فعالیت امریکا برای افزایش مراودات آمده است:

در ارتباط با تجزیه تحلیل جامعه اندیشمندان ایران که در این گزارش

۱. همان، ص ۸۷.

۲. همان، ص ۳۳۸-۳۳۷.

گنجانده شده به نظر ما رسیده است. کمیته جوانان گروه بررسی مسائل کشور که مسئله دانشجویان را تحت بررسی مداوم قرار داده است و اداره اطلاعات ایالات متحده، سرگرم تهیه برنامه‌ای برای حادثه کردن تأکید خود بر گروه‌های هدف ویژه از جمله روشنفکران است؛ همچنین فعالانه سرگرم اکتشاف تعدادی از اندیشه‌های عملیاتی در زمینه‌های خطوط زیر هست: برقراری مرکز مطالعات امریکایی در لاقل سه دانشگاه ایران یعنی دانشگاه‌های تهران و پهلوی شیراز و مشهد. اداره اطلاعات امریکا مقتضی تر می‌داند که مشوق این برنامه از بنیادهای خصوصی ناشی شود و به توسط برنامه مبادله اشخاص به آن کمک شود.^۱

پ. نفوذ فرهنگی در دانشگاهیان از طریق فیلم‌ها و برنامه‌های فارسی صدای امریکا در یکی از گزارش‌های لانه جاسوسی آمده است:

من (کاردار سفارت امریکا در ایران) به خصوص از طرح‌های خانم مک آفی در مورد آگاهی از مشکلات محیط، وقایع احتمالی و عقاید استقبال می‌کنم و پیشنهادهای بعدی که از معاون وزیر امور خارجه ساندرز و انجمن حفاظت ملی به ما رسیده است نیز دارای اهمیت است. من به خصوص با طرح گسترش برنامه‌های فارسی صدای امریکا VOA و نمایش فیلم‌های امریکایی از تلویزیون (مقصود تلویزیون ملی ایران است) که از طرفداران بی‌شماری برخوردار است خرسندم.^۲

در اینجا به خوبی نقش صدای امریکا در سیاست امریکا و نقش نفوذی او کاملاً مشخص است. همچنین نمایش فیلم‌های امریکایی که عمدتاً فرهنگ و طرز تفکر امریکایی را در ایران رواج می‌دهد، از طریق تلویزیون ایران مورد تأیید و خرسندی امریکایی‌هاست. در بخشی دیگر از اسناد لانه جاسوسی، شبکه‌های تلویزیونی، برنامه صدای امریکا و پخش فیلم‌های غربی و امریکایی در ایران میان شخصیت‌های دانشگاهی و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی به عنوان یکی از ابزارهای نفوذ فرهنگی که امکان واردات فرهنگ غرب به ایران را فراهم می‌آورد، معرفی شده و در یکی از گزارش‌های مربوط به ۱۳ مارس ۱۹۷۸ آمده است:

مناسبات ارتباطی بین ایالات متحده و ایران مناسباتی است که هر

۱. همان، ج ۲، ص ۶۲۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۱۴.



دو کشور آن را جدی می‌گیرند و در پی توسعه آن هستند. در سطوح برگزیدگان سیاسی ارتباطات بین ایران و آمریکا تسهیل شده است. بدین معنی که این‌گونه ایرانیان از میان گروه کشورهای خاورمیانه به استثنای احتمالاً اسرائیل و لبنان، از لحاظ آشنایی با زبان بیشترین مهارت را دارند، سفرهای دور و درازی کرده‌اند، دارای تحصیلات عالی هستند (بیشتر در ایالات متحده). علاوه بر این منابع اطلاعاتی درباره ایالات متحده به سهولت از طریق رسانه‌های گروهی محلی و سایر وسایل در دسترس می‌باشند و هیچ کدام آنها به طور سیستماتیک ایالات متحده آمریکا را آن طوری که نیست جلوه نمی‌دهند یا تحقیر نمی‌کنند. رادیوی زبان انگلیسی و کانال‌های تلویزیون به طور عمده وسایلی برای اطلاعات مربوط به آمریکا است و به وسیله ایرانیان علاقه‌مند تهیه و سرپرستی می‌شود که قابلیت تحمل و مدارای واردات فرهنگی آنها نسبتاً بالا است. تماس‌های روبه‌رو با امریکاییان صاحب‌نظر و وارد در زمینه‌های مربوط به هدف‌های مأموریتی نه تنها امکان‌پذیر است بلکه تحت سرپرستی حکومت ایالات متحده یا دیگران به کرات صورت می‌گیرد.^۱

ت. افزایش ارتباطات نفوذی در نهادهای علمی ایران از طریق ازدواج‌های مصلحتی یکی از اهداف سفیر آمریکا در ایران بر اساس گزارش ۱۱ دسامبر ۱۹۷۷ که از وزارت امور خارجه آمریکا به سفیر این کشور در ایران ابلاغ شد، «بهبود روش‌های مرتبط به دانشجویان ایرانی خواستار تحصیل در دانشکده‌های ایالات متحده و انجام همکاری‌های لازم برای پیشرفت سیستم دانشگاهی ایران»^۲ بوده است و در همین راستا، یکی از شگردهای نهادهای فرهنگی و آموزشی آمریکا در کنار اقدامات سفارت این کشور برای افزایش مراددهای نهادهای دانشگاهی ایران، ازدواج‌های مصلحتی است که میان برخی از مریبان و شخصیت‌های امریکایی با شخصیت‌های دانشگاهی ایران انجام می‌شد و مؤسسه فولبرایت هم در این زمینه تأثیراتی می‌گذاشت:

با توجه به اینکه ۶۰ هزار ایرانی در همه سطوح در ایالات متحده تحصیل می‌کنند و کادر حرفه‌ای اینجا با ایالات متحده و طرق آن

۱. همان، ص ۷۰۷.

۲. همان، ص ۶۶۶.

آشنا است، در پایان هر سال تحصیلی به نحو تصاعدی افزایش می‌یابد. ارتباطات از طریق ازدواج رو به افزایش است. حدود ۵۰ پیوند دانشگاهی بین ایران و ایالات متحده وجود دارد. حدود ۲۵۰ مربی امریکایی در دانشگاه‌های مهم ایران (که هفت نفر از آنها از بورس تحصیلی فولبرایت استفاده کرده‌اند) و ده‌ها نفر بیشتر از آنان در نهادهای مختلف آموزشی تدریس می‌کنند. یک جامعه بازرگانی امریکایی مقیم ایران که از لحاظ تعداد بزرگ و از لحاظ حرفه متنوع است، نیز در ایران فعالیت دارد.^۱

از این رو، تعلیم و تربیت ناشی از ازدواج‌های مصلحتی در مقابل انقلاب مردم ایران قرار داشت. برخی از ازدواج‌های مصلحتی در میان شخصیت‌های دانشگاهی ایرانی و مریبان امریکایی منجر به گسترش تفکرات امریکایی، علاقه به زبان انگلیسی و حضور ایرانیان در دانشگاه‌ها و مدارس امریکایی گشته است. در بخشی از اسناد در خصوص حضور فرزندان این ازدواج‌های مصلحتی در مدرسه جامعه بین‌المللی شیراز آمده است: مدرسه جامعه بین‌المللی شیراز در رابطه و وابسته به دانشگاه پهلوی است و دارای سطوح آموزشی از کودکان تا سال ۱۲ هست. دروس به زبان انگلیسی تعلیم داده می‌شوند. مدرسه به منظور تأمین تعلیم و تربیت برای فرزندان انگلیسی‌زبان کارمندان دانشگاه مشغول فعالیت است. چهل درصد این بچه‌ها مخصوص [محصول] ازدواج پروفیسورهای ایرانی دانشگاه و زنان خارجی (عموماً امریکایی) می‌باشند. بقیه پسران و دختران ایرانی هستند که یا به واسطه اینکه والدینشان در خارج مشغول تحصیل بودند از ابتدا با زبان انگلیسی آشنایی پیدا کرده‌اند و یا اینکه والدین آنها مایل اند آنها به زبان انگلیسی تحصیل نمایند. اکثراً مایل اند تا فرزندانشان را در آینده برای تحصیل به خارج بفرستند و از این رو احساس می‌کنند از ابتدا با انگلیسی شروع کردن باعث پیشرفت آنی آنها خواهد بود.^۲

ث. طرح‌های فرهنگی و دانشگاهی فولبرایت برای نفوذ در محافل دانشگاهی و علمی ایران

تبادلات دانشگاهی به مجموعه‌ای از اقدامات بین‌المللی گفته می‌شود که در محدوده

۱. همان، ص ۷۰۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۹۰.

امریکا تلاش داشت در پرتو تلاش‌های سفارتخانه خود و قرار دادهای علمی و فرهنگی نهاد‌های وابسته به خود، فرهنگ غربی که متضاد با ارزش‌های دینی و اعتقادات ایرانیان بود را به مدارس ایرانی منتقل سازد که البته بنا به اعترافات خود اعضای سفارت امریکا، خیلی از تلاش‌های غرب بر تغییر ارزش‌های دانش‌آموزان ایرانی به دلیل درایت علمای دین در ایران، منجر به شکست گردید

فعالیت‌های دانشگاهی قرار می‌گیرد. تبادلات دانشگاهی از مؤلفه‌های علمی و فرآیندهای آموزشی، در ابعاد ارتباطات و اطلاعات و با محتوای علم و فناوری و حوزه‌های علوم انسانی و نظری بهره برده، در صدد ایجاد تأثیر و تغییرات به نسبت پایدار در توانمندی‌ها، باورها و نگرش‌های مخاطبان فراملی خود است. تبادلات دانشگاهی، از ابزارهایی همچون برنامه‌های بین‌المللی‌سازی آموزشی در حوزه‌های

برنامه‌های مبادله، اعطای بورس‌های تحصیلی، همکاری‌های مشترک علمی و آموزشی، تأسیس دانشگاه‌های بین‌المللی، آموزش‌های مجازی و از راه دور، برندسازی علمی، گردش‌گری آموزشی، تبلیغات و بازاریابی علمی و آموزشی و فرآیندهای تولید و گسترش دانش بومی، استفاده می‌کند. در این نوع دیپلماسی، دانشگاه‌ها، برنامه‌های درسی و آموزشی، اساتید و محققان به مثابه دیپلمات‌های آموزشی تلقی شده، بنابر میزان قدرت دولت‌ها در ابعاد علمی و آموزشی در راستای مقاصد آنان عمل می‌کنند؛^۱ اما امروزه مبادلات دانشگاهی و طرح‌های علمی، برای نفوذ فرهنگی است. بروکینگز اذعان می‌کند که تعاملات شخصی و آموزشی از مؤثرترین شیوه‌هایی است که امریکا برای برقراری ارتباط با جوامع خارجی در اختیار دارد. این برنامه‌ها همچنین بورس‌های تخصصی برای ارتقای نیروهای مسلح، بهداشت همگانی، اقتصاد و اهداف توسعه مستحق دریافت بودجه بیشتری هستند. در عین حال بیان می‌کند که:

دولت ما باید در سطح جهان اعلام کند که امریکا پذیرای دانشجویان، گردشگران، تاجران، محققان و سایر مهمان‌های خیر خواه است و این تعهد را باید به طور آشکار با انواع و یزای کاری دائم و موقت با درآمد بالا نشان دهد. ادوارد برمن در کتاب کنترل فرهنگ، این مسئله را تبیین کرده است که برخی مؤسسات به اصطلاح بین‌المللی، از قبیل بنیاد هنری فورد، بنیاد کارنگی و راکفلر، در پوشش تأسیس دانشگاه و مراکز

۱. محمد پورخوش، «تبادلات آکادمیک؛ رهبرد نفوذ»، عملیات روانی، س ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ش ۴۲، ص ۱۰۷.



علمی در کشورهای جهان سوم و با عناوین مردم‌پسندی همچون کمک به رشد و توسعه کشورهای جهان سوم و تربیت معلم و مربی و پرورش استاد و کمک به رشد علمی و آموزشی مردم، در حقیقت به دنبال نفوذ در فرهنگ و ارزش‌های آنها هستند و می‌کوشند تا نخبگان علمی را در جهت منافع غرب هدایت کنند.^۱

لاجرم، زمینه فعالیت‌های پوششی امریکا که در اصل نفوذ و سلطه را به همراه دارد و هدف اصلی است، کاملاً مشخص است. مطالعات علمی و فعالیت‌های فرهنگی پوشش هدف‌های امریکا است. طرح فولبرایت از جمله طرح‌های فرهنگی و دانشگاهی امریکای امپریالیست است که در تمام کشورهای تحت سلطه از جمله آفریقا و آسیا مورد استفاده قرار می‌گیرد و افرادی از کشورهای تحت سلطه را به وسیله این طرح به بورس‌های دانشگاهی دعوت می‌کنند و همه‌گونه برنامه‌ریزی جاسوسی و اطلاعاتی و نفوذ در ارگان‌های مملکتی را به وسیله آنها انجام می‌دهند. در خصوص طرح فولبرایت در اسناد لانه جاسوسی باید اذعان داشت:

با این پیشرفت عمومی و توصیه مسئول افسر روابط عمومی ما موردهای زیر را بررسی کرده که مسئولین ایرانی باید آن را به روشنی بدانند که هدف ما از زیاد کردن روابط معامله‌ای دو طرفه است: بازدید ایران به وسیله دانشجویان و چهره‌های عمومی هر زمان که امکان پذیر باشد. این بازدید به طور خصوصی ترتیب خواهد یافت. بازدیدکنندگان بایستی با اوضاع کنونی ایران وابستگی و اعتبار داشته باشند. دانشجویان مسلمان ایرانی و اگر امکان دارد شخصیت‌های مذهبی ایران را در جشن سالگرد هجرت در ایالت متحده تشویق به دعوت کنید. نمایندگان اسلامی جوامع دیگر در آنجا باشند که ماهیت چندملیتی بودن آن نشان داده شود و برنامه‌ها بایستی به صورت خصوصی ترتیب داده شود که کمیته سالگرد هجرت نقش بزرگی اجرا کند. بحث بر روی نهادهای (مراکز) خصوصی مثل شالوده و اساس جانسون (سازمان خیریه م.) یا سمینارهای دانشگاهی که شامل غرب و شرق و مرکز (موضوعاتی در زمینه این نواحی) گردد، ترتیب داده و گروهی از دانشجویان ایرانی به

۱. فاطمه مرسلی، «نفوذ در بستر دیپلماسی عمومی با تأکید بر ارتباطات آموزشی- فرهنگی»، عملیات روانی، س ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ش ۴۲، ص ۱۶۶-۱۶۵.

ایالت متحده آورده شوند تا در مورد موضوعات و عناوینی که جدال انگیز و مباحثه انگیز نباشد، صحبت شود و ترجیح داده شود که میتینگ چندملتی باشد. رشته‌های امکانی از قبیل ادبیات، نوشتن خلاقانه یا خیلی روزمره‌تر، توسعه آزادی و علوم آزادی باشد. با چند محصل خارجی که خیلی با دقت انتخاب شده‌اند و رؤسای گروه پذیرش به عنوان رابط در دانشگاه‌ها استفاده کرده تا با چشم و گوش باز محصلین اسلامی و ایرانی را زیر نظر داشته باشند که؛ ارزیابی شوند در طول مدت تغییرات در ایران که احتیاجات و رفتار محصلین ایرانی، ظهور کرده به طوری که: تاریخ مناسب برای کنفرانس و مصاحبه آن شخص در ایالت متحده در نظر گرفته شود. مؤسسات آموزشی امریکا در رابطه و حمایت و مبادله تحصیلی با دانشگاه‌های کشورهای اسلامی جهان سوم مثل دانشگاه نبراسکا در پاکستان بوده و امکان دعوت محصلین و دانشجویان ایرانی برای شرکت در چنین سمینارها و طرح‌ها که تشویق به درک مصنوعی و تماس‌های بیشتر آینده خواهد شد در نظر گرفته شد. جریان پیشرفت ICA یادآور شده (در زمینه تدریس انگلیسی و فرهنگی)؛ به طوری که مسئولین ادعا کنند که خرابی‌ها و اشکالات توسط مسئولین ایرانی تشخیص داده شده است. به هوش باشید که ایرانی‌ها را در هر فرصتی در برنامه‌های تنوعی چندمذهبی شرکت دهید؛ مخصوصاً گروه و توده متوسط را. حوادث ایران خارج از چهارچوب سیاست، یک سری موضوعات مطالعاتی اسلامی در ایالت متحده و مصاحبه با دانشجویان امریکایی، ایران شناسان و شخصیت‌های عمومی که نمایانگر نقطه نظرهای وسیع سیاسی خواهد بود.^۱

در ماه‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، وزارت امور خارجه امریکا از اعضای سفارت می‌خواهد تا «به ترتیبی که وضعیت امنیتی و سیاسی اجازه می‌دهد عملیات مؤثر انجمن ایران و امریکا و کمیسیون‌های فولبرایت را تقویت کنید.»^۲ در یکی از گزارشات لانه جاسوسی، یکی از کاربردهای مرادفات علمی در طرح فولبرایت، رواج زبان انگلیسی و کشف اندیشه‌های غربی برای دانشجویان ایرانی ذکر شده است که می‌تواند به تقلید

۱. اسناد لانه جاسوسی/ امریکا، همان، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۱۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۰۹-۳۰۸.

فرهنگی و وابستگی آنها به سیاست‌های غربی منجر شود:

(سفارت) پیشنهاد یک شاگرد را کرده است. به طوری که تحت طرح فولبرایت یک یا دو شاگرد پیشرو (مترقی را از مدرسه فیضیه در قم جایی که بسیاری از رهبران مذهبی بسیار مؤثر در آنجا تربیت شده و درس داده‌اند شامل آیت‌الله خمینی به یک مدرسه مناسب امریکایی مانند اتحادیه مدارس مذهبی برای دو سال منتقل کنند. سال اول صرف می‌شود برای مطالعه زبان انگلیسی و کشف اندیشه غربی و سال دوم موقعیتی فراهم می‌کند برای بحث‌های عمیق با امریکاییان مجرب و ممکن است شامل بعضی تدریس‌های رسمی نیز باشد.^۱

ج. افزایش مراودات با دانشگاهیان ایرانی برای تقویت جریان روشنفکری (متفکران همسو با غرب)

در تحلیل‌های سفارت امریکا مشاهده می‌شود که هر چند همه دانشجویان رانمی‌توان در مقوله اندیشمندان و روشنفکران گنجانند، با وجود این، دانشجویان را باید جهت مطالعه ویژه مشخص کرد زیرا در میان این محیط است که بزرگ‌ترین مقدار جوشش پیدا می‌شود و همچنین حادث‌ترین نوع سرخوردگی از رژیم در ایران و آنچه برای ما حائز اهمیت فوق‌العاده است صریح‌ترین انتقادات از ایالات متحده، در میان آنهاست. همان طوری که طرفداران حکومت ایران خاطر نشان ساخته‌اند یقیناً حقیقت دارد که هیجان میان دانشجویان دانشگاه تنها اقلیتی از میان دانشجویان فوق‌العاده توسعه یافته و این امر وسیله بسیار مطلوبی فراهم می‌کند که به موجب آن هیجان و افکار رادیکال می‌توانند عمل کنند و راه به جلو پیدا کنند. در میان دانشجویان مشکلات سیاسی اندیشمندان ایران در کانون توجه قرار می‌گیرد زیرا در میان دانشجویان است که احساسات ضد رژیم اندیشمندان تحصیل کرده بیش از همه طنین پیدا می‌کند.^۲ سفارت امریکا برای برقراری ارتباط با روشنفکران بر دانشگاه تهران تمرکز داشت و همان‌گونه که در تحلیل‌های اعضای سفارت مشخص است:

دانشگاه تهران که در آنجا هم مقدم و هم نگهبان تدریس می‌کنند بدون شک مرکز روشنفکری ایران است. اینجا جایی است که بارزترین روشنفکران ایرانی پیدا شده، هیجان‌انگیزترین ایده‌ها مورد بحث

۱. همان، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۰۹.

به رغم اجباری بودن روند غربی سازی مدارس و جامعه در دوران پهلوی، غرب و به خصوص امریکا به شدت از روند مدرنیزاسیون ایران با تمرکز بر «تقلید فرهنگی از غرب» حمایت می کردند

واقع گردیده و مشکلات جوانان ایرانی در مرکزیت شدیدی مورد مذاکره قرار می گیرد.^۱

ارنست. آر. اونی در اداره تحقیقات سیاسی دفتر مرکزی اطلاعات جاسوسی نیز گزارشی با عنوان «نخبگان و تقسیم قدرت در ایران» در فوریه ۱۹۷۶ منتشر می کند که بر ظهور یک طبقه جدید نخبگان با عنوان «طبقه روشنفکر صاحب فن دیوانسالار» تأکید می کند و به نوعی می توان دریافت

که غرب این گروه را جزء ابزارهای رخنه فرهنگی و اعمال نفوذ خود در نظر گرفت و برای مراودت با آنها برنامه ریزی های فرهنگی زیادی انجام داد. در این گزارش پیرامون این طبقه چنین تحلیلی ارائه شده است:

بعضی از محققین دانشگاهی معتقدند که ظهور یک طبقه بالقوه نخبه جدید را مشاهده می کنند. یکی از آنها آن را طبقه روشنفکر صاحب فن دیوانسالار یا یک طبقه متوسط صاحب فن نامیده است. خصوصیات این طبقه در ذیل می آید:

روابط سنتی قدرت را که بر جامعه سلطه دارد، مردود می شمارد. به عوض تحصیلات سنتی حاوی مطالب دینی، تحصیلات عالیه جدید دارند یا سعی به کسب آن دارند. نسبت به طبقه متوسط سنتی طیف وسیع تری از عقاید و رخنه های خارجی را پذیراست. سیستم ارزش و ارزش های قدیمی را به دور انداخته است و در نتیجه دیگر به اسلام به عنوان راهنمای زندگی نمی نگرند. اعضای آن به گذشته ای که جزو آن نبوده اند، علاقه ای ندارند و علاقه شان به خدا یا گذشته کمتر است. اینان در طلب ارزش های جدید بعضی به بهائیت و بقیه به کمونیسم با ایدئولوژی های چپ گرویده اند. این طبقه همه نوع صاحب فن را در بر می گیرد: دکترها، وکلا، معلمان، مهندسان و دیوانسالارهایی که تحصیلات جدید و مهارت های خاص دارند: فن سالاران، مدیران، کارمندان و دانشجویان؛ به علاوه نویسندگان و هنرپیشگان که از خیلی لحاظ سخنگوی این طبقه محسوب می شوند. اعضای این گروه اگر

۱. همان، ص ۶۰۷.



امکان انتخاب آزاد داشته باشند، احتمالاً یکی از انواع نظریه‌های سیاسی ناشی از غرب مانند: دموکراسی، سوسیالیسم، کمونیسم و معدودی حتی فاشیسم را بر خواهند گزید. تناقض در اینجا است که آن حکومتی که بر اساس هر یک از این فلسفه‌ها بنا شود ریشه‌اش در فرهنگ، تاریخ و خصوصیات ممیزه ایران، سطحی‌تر از ریشه پادشاهی خواهد بود. احتمالاً تعداد اداره‌کنندگان چنین حکومتی به اندازه امروز کم خواهد بود. همان‌طور که دیده‌ایم، سیستم ایرانی برای تازه‌واردین به این شرط که در بازی شرکت کنند، جای باز می‌کند. آنهایی که چنین کنند پاداش می‌گیرند و آنهایی که نکنند، بازنشسته می‌شوند و یا مسیر خود را به زندگی خصوصی یا مشاغل که صرفاً مهارت‌های ایشان را به کار گیرد، تغییر می‌دهند. بسیاری از روشنفکران صاحب فن دیوانسالار شرکت در بازی را انتخاب کرده‌اند. مرکز سر بر آوردن روشنفکران صاحب فن دیوانسالار دانشگاه‌هاست. رؤسای دانشگاه‌ها و نخبگان سیستم آموزشی پیش از آن که مدیر باشند، سیاست‌مدارند. کوتاهی در مهارت‌های دانشجویی می‌تواند در موقعیت ایشان مؤثر باشد. در ۱۵ سال گذشته ۲۶ تن از ۴۰ رئیس، قبل از انتصابشان به دانشگاه از مقامات دولت بوده‌اند. هفت نفر ایشان وزیر کابینه و یکی اسدالله علم نخست‌وزیر بود. از این ۲۶ نفر که دیگر رئیس دانشگاه نیستند ۱۸ نفر پس از ترک این مقام به مناصب دولتی بازگشتند. چندین نفر از آنها از اعضای خانواده‌های بانفوذ بوده‌اند، حال در آنجا تولد یافته‌اند یا با ازدواج متصل شده‌اند.^۱

برای غرب، مرادوات دو یا چندجانبه میان دانشگاهیان و فرهیختگان ایرانی و شخصیت‌های نفوذی امریکا بسیار حائز اهمیت بوده و از روش‌های مختلفی سعی در تبادل دانشجویان داشتند و همواره سعی داشتند با تغییر در اندیشه و افکار دانشگاهیان ایرانی به منافع خود نزدیک‌تر شوند. در این مسیر، مؤسساتی نظیر بنیاد جانسون تلاش زیادی نمودند و در برخی از اسناد لانه جاسوسی آمده است:

با مؤسسات خصوصی از قبیل بنیاد جانسون و یا سمینارهای تشکیل شده از طریق دانشگاه‌ها من جمله «مرکز شرق و غرب» مذاکره شده و از شخصیت‌ها و گروه‌های علمی ایران دعوت شده تا در امریکا گرد



آمده و موضوعات غیر بحث‌انگیز را مورد گفت‌وگو قرار دهند. جلسات و گردهمایی‌های چندملیتی ارجحیت دارند. زمینه‌هایی که می‌توانند انتخاب شوند عبارت‌اند از ادبیات، نویسندگی خلاقه و یا امور مربوط به علوم و توسعه کتابخانه و کتابداری. تماس با چند نفر از مشاورین و مسئولان پذیرش دانشجویان خارجی که به نحو دقیقی انتخاب شده و محل کار آنان در دانشگاه‌های مشهوری است که در آنها دانشجویان ایرانی و اسلامی مشغول تحصیل هستند. هدف از کار این گروه عبارت است از: الف. بررسی نیازها و گرایش‌های دانشجویان ایرانی و تغییرات حاصله در آنها در اثر تحولات اخیر. ب. طرح برنامه‌هایی برای تشکیل کنفرانس دانشجویان و یا سایر انواع مذاکرات در امریکا در تاریخ مناسبی در آینده. بررسی و پیدا کردن راه‌های مختلف به منظور دعوت کردن دانشجویان ایرانی و شخصیت‌های علمی به سمینارها و شرکت در پروژه‌هایی که تفاهم و روابط روشنفکرانه را تقویت می‌نماید. این کار را می‌توان از طریق مؤسسات آموزشی امریکایی که در ارتباط با کشورهای اسلامی جهان سوم بوده و یا در امر مبادلات دانشجویی از آنها حمایت می‌کنند، انجام داد.^۱

برای تحقق این موضوع و جذب دانشجویان ایرانی به سمت و سوی غرب و جریان روشنفکری، انجمنی بین ایران و امریکا توسط سفارت تأسیس گردید که این امر را پیگیری می‌نمود. در گزارش سفارت امریکا آمده است:

کمیسیون مشترکی بین ایران و امریکا برای پیشبرد همکاری عمومی و خصوصی امریکا در زمینه‌های انرژی، نیروی انسانی، کشاورزی، تجارت و امور مالی و علم و تکنولوژی برای چهارمین بار در واشنگتن تحت ریاست وزیر خارجه ونس تشکیل شد. بیشتر از ۵۰ دانشگاه امریکایی با دانشگاه‌های ایرانی و یا نهادهای دولتی ارتباط دارند. جمعیت دانشجویان ایرانی در امریکا اکنون بیشتر از ۳۰۰۰۰ نفر هست.^۲

افزایش مراودات دانشگاهی میان دانشگاه‌های امریکا و ایران بر اساس تغییر ذائقه سیاسی و نفوذ فرهنگی در دانشگاهیان ایرانی برای شکل دهی به جریان روشنفکری و

۱. همان، ص ۲۰۱.

۲. همان، ص ۲۱۰.

شبه‌مدرن در ایران بوده است.

چ. رصد دائمی علایق سیاسی دانشگاهیان توسط سفارت امریکا

در بخشی از اسناد لانه جاسوسی ذکر شده است که:

موازنه فعلی ما در گزارش و تحلیل اطلاعاتی اساسی در مقابل سیاست گزارش‌ها و تحلیل‌هایی که بلافاصله پس از وقایع ارایه می‌گردند که در اوایل دهه ۱۹۶۰ شروع به شکل گرفتن نمود قرار دارد. آن زمان شروع این امر بود که به ارتباط سیاست‌ار جحیت بیشتری از تحقیق بنیانی داده شود. اساس بر این بود که جامعه دانشگاهی می‌تواند مسائل بلندمدت را مطالعه کند و از خارج یک پایگاه اطلاعاتی برای تحلیل‌گران سیاست و مأموران گزارش‌دهنده در وزارت خارجه و دیگر جاها در دولت فراهم نماید. این روش به طور معقولانه خوب عمل کرده است. در عین حال یک کاهش مداوم در بنیان اطلاعاتی ما در داخل دولت وجود داشته است. تحقیق دانشگاهی همیشه روی آن مسائلی که ما در زمان‌های بحرانی در مورد آنها ذی‌علاقه می‌باشیم، تمرکز پیدا نکرده است و نیز کیفیت محققین دانشگاهی مساوی نیست. بنابراین تحقیق در مورد یک موضوع مهم ممکن است اصلاً انجام نشده باشد یا به طور ضعیفی انجام شده باشد. ما نیاز داریم که یک بررسی سراسری در جامعه اطلاعاتی انجام دهیم که آیا تحلیل‌گران ما تجربه و آموزش و استمرار شرکت در مسائل و کشورهای عمده را دارند تا اینکه بنیه تحلیلی و اطلاعاتی لازم برای تحلیل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت‌تر را فراهم بیاوریم. ما همچنین بررسی خواهیم نمود که چه تأکیدات بیشتری در موارد سوابق اطلاعاتی بنیادی سیاسی، جامعه‌شناسی، فرهنگی و اقتصادی لازم هست. نه فقط برای پایگاه اطلاعاتی بلندمدت‌ترمان بلکه برای قادر بودن به ارزیابی دلایل آشفتگی سیاسی و اجتماعی وقتی که رخ می‌دهد و نیز ارزیابی‌های صحیح‌تری در مورد اینکه به کجا ممکن است منتهی شود و ما در مورد آن چه می‌کنیم انجام دهیم. ما این موضوع را در بررسی‌هایمان از برنامه‌های شش ماهه گزارش سفارت مورد توجه قرار خواهیم داد.^۱

در ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸ گزارشی توسط جان واش برن در اسناد لانه جاسوسی درج شده است که تأکید می‌کند:

در سازمان سیا و سفارت ارجحیت گزارش به وقایع داخلی و سیاست داخلی در ایران باید داده شود. شما بهتر از من می‌دانید که چه چیز در اینجا مورد احتیاج است و ما هر دو مشکلات مشقت‌بار انجام این مهم را می‌دانیم. قابل ذکر است که به کنسولگری‌ها باید اختیار و منابع لازم برای درگیر شدن در این کار داده شود. وسیله دسترسی در خارج تهران آسان‌تر است و خیلی از فعالیت‌های مهم در جایی که کنسولگری‌ها هستند جریان دارد. باید مشاوره سیستماتیک و مرتب با جامعه دانشگاهی وجود داشته باشد. خیلی از دانشگاهیان در مورد مسائل سیاسی ایران خیلی صریح‌تر و مستقیم‌تر بوده‌اند. منابع مصرف‌نشده زیادی برای استفاده در اینجا وجود دارند و این مردان و زنان باید بدانند که نظرات آنها مورد نیاز هست. این مشاوره که ICA را که باید عمیقاً شرکت دهد، چنین باید متضمن نظارت مرتب بر انتشارات باشد. مطالبی که مورد پوشش قرار می‌گیرند باید شامل رساله‌های دکترای باشند. خیلی از مطالبی که در مورد ایران در نشریه انجمن علوم سیاسی امریکا می‌آید به نظر می‌رسد که موضوعاتی را مورد پوشش قرار می‌دهند که ما خصوصاً نادیده می‌گیریم. انجمن خاورمیانه باید به طور مرتب به خاطر تخصص آن مورد بهره‌برداری قرار گیرد و باید تشویق شود که منابع بیشتری به مطالعات ایران اختصاص دهد. انستیتوی امریکایی برای مطالعات ایران که در دانشگاه پنسیلوانیا قرار دارد و ظاهراً از طرف ما ندیده گرفته می‌شده است، یک منبع خیلی مهم است. با دانشگاهیانی که در ایران در زمینه‌های دیگر کار کرده‌اند (مثل مرکز ایرانی‌هاوارد برای مطالعات مدیریت) باید به طور مرتب مشاوره شود. یا از طریق دانشگاهیان و یا به طور مستقیم باید تماس محتاطانه‌ای با تبعیدی‌های ایرانی و سازمان‌هایشان در ایالات متحده گرفته شود.^۱

از این رو مشخص می‌شود که میان دانشگاه و منافع غرب ارتباط وثیقی وجود دارد که فقدان اطلاعات موجود در خصوص نحوه عملکرد دانشگاهیان و مواضع

۱. همان، ج ۱، ص ۷۹۴-۷۹۳.



با اشاعه فرهنگ و تمدن مادی مغرب زمین، غرب زدگی به عنوان یک جریان عام، تمامی ابعاد اجتماع ما را در بر گرفت و هر آنچه نشان از تمدن جدید غرب داشت از قبیل فرهنگ مصرفی، نظام پیچیده بوروکراتیک اداری، رفاه طلبی، پول پرستی، تجمل پرستی و... در جامعه حکم مبنای و معیار ارزشی را پیدا کرد

سیاسی آنها می‌تواند تدابیر سفارت آمریکا و سیاست گذاری‌های آمریکا را با ناکارآمدی مواجه سازد و به همین دلیل سفارت آمریکا تأکید می‌کند که «اطلاعات درباره فعالیت‌های دانشگاهی که به حرکت‌های احتمالی مخالف مربوط می‌شوند و مواضع کلی دانشجویان به درد می‌خورد.»^۱ و در جایی دیگر از لانه جاسوسی خواسته می‌شود: «گزارشات تحلیلی درباره تحولات دانشگاهی، فرهنگی و رسانه‌های گروهی تهیه نمایید.»^۲ در همین راستا، رصد دائمی علایق و کنش سیاسی دانشجویان و اساتید یکی از نیازهای سفارت آمریکا اعلام می‌شود و اظهار می‌گردد که برآورد اطلاعاتی غیر صحیح از دانشگاه‌های ایران منجر به اشتباهات راهبردی در تصمیمات و سیاست‌های استراتژیک آمریکا در ایران می‌شود:

از لحاظ علایق سیاسی فعلی، ما از شما می‌خواهیم که همچنان ناظر صحنه دانشگاه‌ها باقی بمانید. این شاید بیش از آنچه شما فکر می‌کنید برای ما مفید باشد. زیرا شما با ناحیه‌ای حساس سر و کار دارید. اینجا متناوباً اطلاعات غلط از اطلاعات بیشتر می‌شود و گزارش‌های تهیه شده توسط شما و دیگر کنسول‌ها معیار اصلی قضاوت ما خواهند بود.^۳

در همین راستا، هنری پرشت در پیامی از وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی به سفارت آمریکا در ایران به تاریخ ۹ ژانویه ۱۹۷۹ تأکید می‌نماید که نسبت به «مواضع و جهت‌گیری‌های سیاسی اعضای جامعه دانشگاهی نسبت به آمریکا... علاقه‌مندیم»؛^۴ زیرا آمریکا به نقش تأثیرگذار دانشگاه در تحولات سیاسی ایران واقف است و تأکید دارند که اهمیت دانشگاه نسبت به مدارس در کنش‌های مدنی و سیاسی بیشتر است و به همین خاطر، کنترل و مدیریت تحولات دانشگاهی ایران، برای غرب خیلی حائز اهمیت است:

از سرگیری کلاس‌های درس در سطح دبیرستان اهمیت کمی دارد؛

۱. همان، ص ۶۹۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۰۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۶۹۷.

۴. همان، ج ۲، ص ۸۵.

چون دانش آموزان را می توان در عرض چند دقیقه به داخل خیابان ها كشاند. بازگشایی دانشگاه ها فقط زمینه افزایش اختلافات فراینده سیاسی داخل جامعه ایرانی را ایجاد کرده، بحث های دانشگاه اکثراً به جبهه گیری های افراطی منجر می شود و وحدتی در نظرات سیاسی به وجود نمی آورد.^۱

ح. ترویج اندیشه های غربی و تحت تأثیر قرار دادن جامعه علمی کشور
بر اساس یکی از اسناد افشاشده از لانه جاسوسی امریکا، تأکید شده است که:

ما همچنین معتقدیم که ایجاد یک مؤسسه امریکایی مطالعات فارسی در تهران فرصتی خواهد بود برای اینکه امریکاییان دارای برد اندیشمندان آزادی ورود به همراه همتهای ایرانی خود به یک محیطی داشته باشند که از حضور رسمی امریکا در آن مبراً نگه داشته شده است. هر سال بیش از شش نفر از دانشمندان درجه اول امریکایی فرهنگ و تمدن ایران به همت برنامه های غیر دولتی امریکایی به ایران می آیند. اگر مکانی وجود داشته باشد که آنها زندگی و کار کنند و با همتهای ایرانی خود معاشرت داشته باشند، آنها در تحت تأثیر قرار دادن اندیشمندان ایران نقش مهم تری خواهند داشت. همچنین درباره فرهنگ و تمدن خودمان اندیشه های سودمندی را عنوان خواهند کرد.^۲

در بخش های دیگری از اسناد لانه جاسوسی آمده است:

اداره اطلاعات امریکا سرگرم تنظیم برنامه تجدیدنظر شده ای به منظور تغییر دادن تأکید از ارتباطات جمعی به هدف گیری دقیق درباره گروه های رهبری کننده برگزیده چه در تهران و چه در شهرستان ها شده است. البته اندیشمندان فقط یکی از هدف های دارای اولویت را تشکیل می دهند و برنامه منعکس کننده آگاهی، به اهمیت آن است. ولی کار بیشتری می توان انجام داد و باید انجام بگیرد. به طور کلی ما از قدرت پذیری اندیشمندان ایران و به ویژه جوانان تحصیل کرده ایرانی درباره اندیشه های امریکایی و اطلاعات درباره امریکا تحت تأثیر قرار گرفته ایم. ساخت و الگوهای ارتباطی اندیشمندان ایران چنان است که کلمه

۱. همان، ص ۱۲۳.

۲. همان، ص ۶۲۵.

اداشده وزنه بیشتری نسبت به کلمه تحریر شده با سایر وسایل بصری دارد. اینها اشخاصی هستند که دوست دارند صحبت کنند و گوش بدهند و استدلال کنند و بحث کنند و علاقه‌مند به دریافت اندیشه‌های جدید هستند و از لحاظ رشد فکری تحت تأثیر قرار می‌گیرند. بنابراین ایران کشوری است که برای یک برنامه هدف‌گیری شده مربوط به اهل قلم امریکایی و دانشمندان اجتماع امریکایی با اندیشه‌های جالب و هیجان‌انگیز و متفکرین سیاسی بسیار مناسب است...^۱

در همین مسیر «راکول» یک سری از متفکران و اندیشمندان امریکایی را پیشنهاد داده و مشخص می‌کند که می‌توانند در تماس با هم‌تایان ایرانی خود و البته قشر جوان و دانشجو، روند جذب آنها را به قدرت نرم امریکا سریع‌تر نمایند:

اندیشمندان امریکایی از جمله لیبرال‌های برجسته و سایر دانشمندان از قبیل «هنری استیل کامیچور»، «راین هلونیور»، «ارتور شلزنجر»، «ماکس لرنر»، «الکار هندلین»، «راک بازون»، «لانیل ترینینگ»، «کلینتون روسیتر» و غیره می‌توانند احساسات مساعد نسبت به ایالات متحده را فعال‌تر کنند.^۲

این مسئله حکایت از اهمیت ترویج اندیشه‌های غربی توسط سفارت امریکا در جامعه ایرانی دارد؛ زیرا علاوه بر ایجاد نزدیکی عقیدتی، می‌تواند مبانی فکری جامعه علمی هدف را با بن‌مایه‌های اعتقادی و جهان‌بینی غربی پیوند دهد که در تعارض با اندیشه‌ها و افکار اسلامی قرار دارند و به یک معنا، همین مبانی هستند که منجر به مقاومت و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب می‌شوند. پس، دگردیسی در این افکار بسیار خطرناک می‌باشد.

خ. ترویج فرهنگ منحط غربی و سبک زندگی لیبرالی در میان اندیشمندان ایرانی
 کمیسیون مشترک ایران و امریکا در ایران، تلاش داشت تا از طریق کمپانی‌هایی امریکایی در روند اصلاح زندگی ایرانیان مداخله نماید. در یکی از اسناد لانه جاسوسی در خصوص این کمیسیون مشترک آمده است:

بخش امریکایی همچنین توافق نمودند که این ناپایداری اقتصادی فعلی گذراست و کمپانی‌های امریکایی در ایران قاطعانه از اقداماتی که

۱. سعید مستغاثی، همان، ص ۱۸-۱۷.

۲. همان.

طرح فولبرایت از جمله طرح‌های فرهنگی و دانشگاهی امریکای امپریالیست است که در تمام کشورهای تحت سلطه از جمله آفریقا و آسیا مورد استفاده قرار می‌گیرد و افرادی از کشورهای تحت سلطه را به وسیله این طرح به بورس‌های دانشگاهی دعوت می‌کنند و همه‌گونه برنامه‌ریزی جاسوسی و اطلاعاتی و نفوذ در ارگان‌های مملکتی را به وسیله آنها انجام می‌دهند

آرامش را باز گردانده و اجازه رشد و شکوفایی اقتصادی را دهد حمایت می‌نماید؛ در حال حاضر اجرای قراردادهای با ایران بلامانع است. کمیته حمایت خود را از کوشش‌های دولت ایران برای برقراری ثبات اقتصادی و ادامه افزایش سطح زندگی ایرانیان اعلام می‌دارد و از هیچ‌گونه

کمکی برای رسیدن به این اهداف مهم دریغ نمی‌ورزد.^۱

در بخشی دیگر از اسناد مشخص است که کارداران سفارت امریکا مترصد رواج زندگی بی‌قید و بندی غربی و مبتنی بر آموزه‌های مفسده‌انگیز در جامعه ایرانی هستند و خود در محافل فساد شرکت می‌جویند. به عنوان مثال، یکی از کارداران سفارت واشنگتن وضعیت رفاه‌زدگی برخی از مسئولان را این چنین تشریح می‌کند: «با تمام این حرف‌ها و خطرات ما به زندگی عادی و راحت‌مان ادامه می‌دهیم» و چند نمونه می‌آورد از مسابقات ورزشی و مجالس رقص و عیاشی که بعضی ایرانی‌های طاغوتی هم هستند.^۲

سفارت امریکا با ترتیب دادن محافل ادبی و هنری و ضیافت‌های مهمانی سعی در ترویج سبک زندگی غربی در میان دانشگاهیان داشت و در این مسیر تلاش‌های زیادی انجام دادند. در یکی از اسناد آمده که شاه از سفارت خواسته است که زندگی شاد و مفرح غرب در ایران ترویج شود و اعضای سفارت از این موضوع رضایت داشتند و این گونه اشاره کرده‌اند:

ایالات متحده برنامه‌های فرهنگی خود را از جمله دیدار ارکسترها و گروه‌های رقص و موسیقی دانان و غیره... در این زمینه گسترش دهند. در حالی که چنین برنامه‌های پیشبرد داده‌شده سودمند خواهد بود. این را نمی‌توان جایگزین راه‌گشایی مغز به مغز یا نمایش‌های بصری و سایر نمایش‌های هنری دیگر کرد. معذالک توسعه نمایش‌های فرهنگی

۱. اسناد لانه جاسوسی امریکا، همان، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲. همان، ص ۱۵۹.

ایالات متحده اثر مساعدی در جامعه اندیشمندان ایران خواهد داشت.^۱ در نهایت باید اذعان داشت که سفارت امریکا در ایران سعی داشت با انحراف در نهادهای علمی ایران، مسیر تحقق اهداف خویش را در ایران هموار تر نماید و به همین منظور از تمامی جاذبه‌های کاذب فرهنگی و علمی خویش بهره گرفت تا دانشگاه و دانشگاهیان ایرانی را از مسیر تعالی جامعه دور سازند و در این مسیر از تمامی ظرفیت‌های خویش نظیر ترویج زبان انگلیسی، رصد فعالیت سیاسی گروه‌های دانشجویی و حمایت از روشنفکران غرب زده، تغییر سبک زندگی اسلامی-ایرانی و اشاعه فرهنگ غربی در زیست ایرانی، مؤسسات فرهنگی نظیر جانشون و فولبرایت، مراودات دانشجویی، آموزش‌های مبتنی بر اندیشه‌های غربی، ترویج آموزه‌های غربی نظیر لیبرالیسم، دموکراسی و غیره، ایجاد پیوندهای شخصی مصلحتی برای نفوذ در محافل علمی ایران بهره جستند.

نتیجه‌گیری

نفوذ فرهنگی در نهادهای آموزشی یکی از شگردهای غرب و به خصوص امریکا برای حضور پیوسته در یک کشور و ایجاد شبکه‌ای از متحدین در جامعه هدف برای کسب منافع ترسیم شده است. سفارت امریکا در طی سال‌های متمادی با برنامه‌ریزی هدفمند خود سعی داشت که در بدنه علمی ایران نفوذ نماید تا از طریق ایجاد انحراف در گروه‌های دانش‌آموزی، دانشجویی، اساتید و معلمان به دامنه تأثیرگذاری خود در جامعه بیفزاید و در نقطه مقابل، قدرت دانش و علوم بومی که دارای اهداف استقلال و پیشرفت ملی است را مورد خدشه قرار دهد. سفارت تلاش داشت تا از فرآیند کند شدن تربیت و پرورش صحیح در نهادهای تربیتی ایران، نهایت استفاده را ببرد و اصول مورد نظر خود که شامل ارزش‌های لیبرالیستی و زیست غربی است را در میان محصلین و دانشگاهیان رواج دهد و همین موضوع سبب نزدیکی بیشتر جامعه علمی کشور با سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی ایالات متحده می‌شد. سفارت امریکا برای نفوذ فرهنگی خود برخی از سیاست‌ها را مورد توجه قرار داد که بخشی از آنها در اسناد لانه جاسوسی که توسط دانشجویان خط امام ترجمه و منتشر شده است، وجود دارد. ابزارها و شیوه‌های نفوذ فرهنگی غرب در مدارس و دانشگاه‌های ایران از منظر اسناد لانه جاسوسی عبارت‌اند از: تلاش برای تغییر آرمان‌ها و ارزش‌های دینی، ترویج غرب‌گرایی، تلاش برای

سازماندهی معلمان در راستای مقاصد ایالات متحده، تقلیل دادن روحیه ضد امریکایی در بین معلمان و شاگردانشان در مدارس، کسب اطلاعات علمی و آموزشی از معلمان خارجی در مدارس ایرانی، ترویج زبان انگلیسی در مدارس و بین دانش‌آموزان، فعالیت‌های گسترده انجمن فرهنگی ایران و امریکا در نهادهای آموزشی ایران، بسترسازی برای ایجاد نفاق در مدارس، حمایت از دانشگاهیان مخالف نهادهای حوزوی و علمای دین، مراودات اطلاعاتی با اساتید و دانشگاهیان متمایل به غرب، نفوذ فرهنگی در دانشگاهیان از طریق فیلم‌ها و برنامه‌های فارسی صدای امریکا، افزایش ارتباطات نفوذی در نهادهای علمی ایران از طریق ازدواج‌های مصلحتی، طرح‌های فرهنگی و دانشگاهی فولبرایت برای نفوذ در محافل دانشگاهی و علمی ایران، افزایش مراودات با دانشگاهیان ایرانی برای تقویت جریان روشنفکری (متفکران همسو با غرب)، رصد دایمی علایق سیاسی دانشگاهیان توسط سفارت امریکا، ترویج اندیشه‌های غربی و تحت تأثیر قرار دادن جامعه علمی کشور و ترویج فرهنگ منحط غربی و سبک زندگی لیبرالی در میان اندیشمندان ایرانی.

